



مرکز پژوهش‌های استراتژیک پژاک



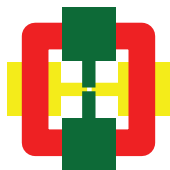
مرکز پژوهش‌های استراتژیک پژوهشگاه

مافیای نسل‌کشی

سدسازی‌های سپاه پاسداران

مافهای نسل‌کننی

سدسازی‌های سپاه پاسداران



مرکز پژوهش‌های استراتژیک پژاک

زمستان سال ۲۰۲۱

The genocidal mafia
مافیای نسل‌کشی

مرکز پژوهش‌های استراتژیک پژاک
PJAK Strategic Research Center

محتوا:

- ۱- تاریخچه ۲- تخریبات اکولوژیک
- ۳- تغییر دموگرافی ۴- مافیای سدسازی
- ۵- نسل‌کشی اقتصادی ۶- اهداف سیاسی و نظامی

ویرایش، صفحه‌آرایی و طرح جلد: ر. گ

انتشارات: مرکز نشر آزادی - ۱۳۹۹ ه.ش

تعداد صفحات: ۵۹

چاپ یکم پائیز ۱۳۹۹ - ۲۰۲۱

چاپخانه آزادی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

تصویر روی جلد:

نمایی از کوهستان شمالی کرمانشان

فهرسنت

۹ پیشگفتار
	بخش ۱
۱۲ تاریخچه
۱۲ تاریخچه سدسازی
۱۳ تاریخچه سدسازی مدرن
	بخش ۲
۱۶ پدیده انحصار
۱۶ انحصارات غیرقانونی سپاه
	بخش ۳
۲۱ اهداف اقتصادی، نظامی و سیاسی
۲۱ ۱- اهداف اقتصادی
۲۱ الف- مافیا، ثروت، سلطه
۲۹ ب- غارت منابع آبی کوردستان
۳۲ ۲- اهداف نظامی - سیاسی
۳۲ الف - اهداف ضدگریلایی
۳۵ ب- تغییر دموگرافیک، پاکسازی، نسل کشی
۴۰ ج - سیاست برون مرزی و حربه فشار
	بخش ۴
۴۳ تخریبات زیست محیطی
	بخش ۵
۴۷ آمار سدها در ایران و کوردستان



پیشگفتار

سدسازی در سطح جهان از جمله موضوعات کلیدی در امر اکولوژی و حفظ آن در کنار موجودیت جامعه انسانی و خود انسان است. بشر از دیرپای دریافته که مباحث اکولوژی و انسان ارتباط مستقیم و حیاتی با هم دارند. لایزالی پدیده‌های آب و خاک در کاسموس که در خلقت انسان و تکاملش به حیات وی گره خورده‌اند، از ممت بیهوده و سخیف انسان و کل حیوانات و نباتات ممانعت بعمل می‌آورد. صیوروت حیات در بطن خود این کاسموس، از انسان در آغوش طبیعت زنده، میکروکاسموسی ساخته که به یمن خلاقیت‌های الهه‌وار خود در پهنه‌های هنر و فرهنگ به اوج زیبایی دست می‌یازد. اکولوژی سالم، همانا بهشت دنیوی این حیات هنرمندانه و فرهنگ متعالی انسان است و اهمیت خاک و آب و اکولوژی از این سرچشمه منبعث می‌گردد.

هدف از نگارش تألیف حاضر، تمرکز بر نسبت‌های نظامی - سیاسی است که دشمن بر ضد ملت کورد و جنبش آن بدان تشبث نموده. لذا پرداختن به جوانب زیست‌محیطی، مختصر و کوتاه‌تر است. مسلماً همانگونه که به‌عینه مشاهده می‌گردد، نوع نگاه و تفاسیر دیگران، بویژه جنبش‌های اکولوژیک و سیاسی - چریکی به مقوله حیاتی سدسازی و پیامدهای مخرب آن با نوع نگاه جنبش آپویی کوردها متفاوت است، زیرا این جنبش یک جنبش صرف و محدود چریکی نیست، بلکه آنی است که عملکرد پارادایمی دارد و این خصیصه را همگان

در بشره خویش ندارند. دهه‌هاست که جنبش ما در مسیر وضع پارادایم دموکراتیک با لحاظ جوانب بنیادین اکولوژیک، حرکت می‌نماید و ای بسا که مسئله سدسازی بواسطه اکولوژی دانش‌بنیان از مجرای اخلاقی و سیاسی با پارادایم «تمدن دموکراتیک و اکولوژیک مبتنی بر آزادی زن» پیوند خورده. درک اخلاقی و سیاسی از موضوع جهانی اکولوژی و درآمیختن عملی و عملیاتی آن با سیاست، پراکسیسی است که سعادت‌مندان، جنبش آپویی از عهده آن برآمد و با دیگر جنبش‌های گفتار و کردار از هم گسیخته و مجرد که رویکردهای یکسویه دارند، متمایز گشته. مآلاً سرشار از اندیشه‌های حفظ زیست‌بوم در جهت‌های اخلاقی - سیاسی علم است و آن را در پراگمای گفتار، پندار و کردار به حوزه سیاست عملی ربط می‌دهد. فلذا از بنیان‌های کلیدی مانیفست تمدن دموکراتیک رهبر آپو می‌باشد. اینکه هم به جوانب اقتصادی، هم به مظاهر اکولوژیک و هم حیث‌های ساختاری امورات نظامی و سیاسی مسئله اهمیت می‌دهیم، یک رفتار علمی با تکیه بر تعهدات اخلاقی - سیاسی است نه صرفاً پولیتیکال روزانه سرمایه‌دارانه که مدام در اندیشه انحصار و غارت سود و سرمایه باشد. انحصارات سود و سرمایه و به یمن آن هم انحصار قدرت از مظاهر سیستم جهانی سرمایه‌داری است که با ایجاد یک ذهنیت کاذب و توهمی، اذهان عمومی را با برجسته‌کردن لیبرالیسم بورژوازی در عمق شهر، فریب داده و سلطه برقرار نموده.

سپاه پاسداران و نظام ایران از قاعده همسان فریب‌های سرمایه‌دارانه مستثنی نیستند. سپاه و نظام منحط ایران در راستای تداوم جنون‌آمیز سیاست‌ها و عملیات‌های مخرب نسل‌کشی علیه ملت کورد و دیگر ملل حتی از مقوله سدسازی بهره‌برداری سلطه‌گرانه می‌کنند و برای پیشبرد آن یک نظام دسپوتیستی و خودکامه را خلق نموده‌اند. پژاک هم در سیر مبارزات خود نمی‌تواند نسبت به این نسل‌کشی وحشیانه بی‌توجه باشد و معتقد است که تنها راه مبارزه برای رستگاری، مشارکت دموکراتیک خود خلق‌های ایران بویژه ملت کورد در کنار نیروی گریلا بصورت خاص در مقابله با روند ظالمانه سدسازی است. مآلاً نگاه پارادایمی به هویت و موجودیت لرها در لرستان به‌مثابه قدیمی‌ترین شاخه فرهنگی زاگرس نیز بخش بزرگی از مبارزا دموکراتیک است. لرستانات بخش‌های بزرگی از استان‌های خوزستان، اصفهان، مرکزی، همدان و شیراز را دربرمی‌گیرد که نیاز ملت لر به آزادی و خودمدریته دموکراتیک بیش از دیگر ملت‌های ایران است.

برجسته‌تر ساختن موضوع فوق‌الذکر با نگارش حاضر، مستلزم اقداماتی عملی است که خلق و گریلا در کنار هم طرح اندیشه‌های زیربنایی مبارزات را دراندازند. در این مقوله، نگاه‌های جهانی خلق‌ها از حیث اکولوژیک متفاوت نیست، ولی به نسبت وجود سیاست‌های

نسل‌کشی فرهنگی و فیزیکی دولت‌های برخی کشورهای آسیای بویژه دول حاکم بر کوردستان که خواه‌ناخواه بخشی از اعراب را هم دربرمی‌گیرد، قطعاً تفاوت دارد. وجود جنگ‌های چند دهه اخیر اثبات‌گر این مدعاست. پس خلق کورد بایستی نگاهش متفاوت و گسترده‌تر باشد چون خود و خاکش در معرض وحشیانه‌ترین نابودیها قرار داده شده‌اند. آگاه‌سازی ملی از جمله ضروریات مبارزه دموکراتیک می‌باشد. ملت کورد، خلقی است گرفتار در چنگال نسل‌کشی سیستماتیک که بعد جهانی دارد. اینکه ایران حتی سدسازی را حربۀ نسل‌کشی ساخته به کاراکتر ایدئولوژی انسان‌ستیز آن برمی‌گردد که امیال نفی‌گرایانه را در خدمت حفظ سلطه قرار می‌دهد و از اسلام به‌مثابه پوشش زرهی استفاده ابزاری خبیث می‌نماید. این، عین «جهاد برای سلطه» است نه «برای اسلام».

سلطه، هدف نظام منحط ایران و مابقی مقولات مادی و معنوی جز ابزاری در خدمت این هدف نیستند حتی دین. زدن نقاب دین بر چهره منفور خود، مشروعیت‌سازی عوام‌فریبانه است که نه تنها انسان بلکه اکولوژی و تمامی هستی‌ها را استثنا کرده و به میل خود در آنها دخل و تصرف می‌نماید. این همان «حرامزادگی خسروانی» می‌باشد که بیش از دوونیم‌هزاره ادامه دارد.

مبارزات «حزب حیات آزاد کوردستان (پژاک)» در چارچوب سیستم خلقی کودار همانا برآوردن آفتاب فتوت و غیرت بر لب بام آزادی ملت کورد و ملل ایران در رویارویی فدایی علیه نظام منحط و پویشالی ایران است. مبارزه‌ای برای تحقق حیات آزاد ملتی که نسل‌کشی علیه او بزرگترین شرمساری برای جهان بشریت می‌باشد. جنبه اکولوژیک مبارزه نیز مقوله سدسازی را دربردارد که پارادایمی می‌باشد و جزو بزرگترین جنبش‌های با وسع فکری و عملی برای استحصال آزادی می‌باشد.

۲۰۲۱-۰۱-۰۱



بخش ۱ تاریخچه

تاریخچه سدسازی

سدسازی از دیرباز شیوه‌ای مدرن در ادوار تاریخ کوردستان بوده و از آنجا که انقلاب‌های «زراعت و روستا» به‌مثابه شاخصه‌های فرهنگی مدرنیته آن ادوار رواج یافت، کشاورزی را همزاد و موجد یکجانشینی ساخت. منابع فراوان آبی و جویبارهای روان در سرزمین بهشت‌آسای زاگرس و دشت‌های همجوار و پایین‌دست آن، نیاز به احداث سد یا آب‌بندهای بزرگ نداشت. بنداب‌های جلوی چشمه‌ها را در زبان کوردی «استر» و جلوی رودخانه‌ها در مقیاس بزرگتر را «بند» می‌نامند که هنوز هم در سیستم «زراعت سنتی زاگرسی» کاربرد گسترده دارد.

در ایران، اما به دلیل وجود دشت‌های پهناور، از دوران ساسانی نخستین سدهای سنتی بزرگ‌مقیاس وجود داشته که به «بند میزان» و «پل بند» در شوشتر مشهورند و از طول ۵۰۰ متر برخوردار بوده و ۴۰ دهانه داشته‌اند. بند «امیر» نیز مربوط به دوران حکومت «آلبویه» است که در ۳۵ کیلومتری شمال شیراز واقع شده و عمر آن به هزار سال می‌رسد. برخی بندها بصورت سه‌منظوره یعنی برای «آبیاری، پل و آسیاب» کاربرد داشته‌اند که بند امیر از جمله آنهاست.

سدسازی در تاریخ معاصر به دلیل پیشرفت فناوری‌های فوق‌پیشرفته آنچنان بصورت پرتعداد و بی‌رویه همچو یک بیماری ضداکولوژی رواج یافته که می‌رود نتیجه معکوس دهد و بجای حل بحران آب شیرین، آن را به فنابرد. مطابق پیش‌بینی‌ها، به دلیل ازدیاد جمعیت و استفاده بیش از حد از سفره‌های زیرزمینی و روان‌آبها، جهان در آینده‌ای نه‌چندان نزدیک

دچار بحران آب خواهد شد. مقدار کل موجودی آب در سیاره زمین که به نام «هیدروسفر» شناخته می‌شود، قریب ۱۳۶۰۰۰۰ کیلومتر مکعب است. قریب ۹۷،۲ درصد از این مقدار، آب شور و فقط ۲،۷ درصد آن را آب شیرین تشکیل می‌دهند. دانشمندان سعی می‌کنند با بکارگیری روش‌های علمی سنجش، جلوی هدررفتن منابع آب شیرین را بگیرند. چهار عامل استفاده «زراعی»، «صنعتی»، «آشامیدنی» و «تولید انرژی» موجد پیشرفت علم مهندسی در سدسازی معاصر شده‌اند. اساسا از سد به‌مثابه منبع انرژی هیدروالکتریک (تولید برق توسط انرژی آب) استفاده می‌گردد. این نوع انرژی، تجدیدپذیر و پاک است. اما به توسعه پایدار کمک نمی‌نماید، زیرا وجود خود سد برای اکوسیستم و چرخه هیدروسفری آن مضر می‌باشد. امروز ایران هرچند سومین کشور سدساز در کل دنیا است، اما بشدت فراروی بحران آب قرار دارد.

تاریخچه سدسازی مدرن

در سال ۱۹۹۷ میلادی اولین نشست بین‌المللی حفاظت از رودخانه‌ها با شرکت ۲۰ کشور جهان در شهر «کارتی‌با»ی برزیل تشکیل شد و روز ۱۴ مارس را روز جهانی حفاظت از رودخانه‌ها و مخالفت با سدسازی نام نهادند.

نخستین سد در ایران، سد گلپایگان بود که سال ساخت آن به ۱۳۲۳ ه.ش برمی‌گردد و در ۱۳۳۶ بالاخره به بهره‌برداری رسید. امروز در این کشور (۱۳۹۹ ه.ش) بیش از ۶۶۰ سد بزرگ و کوچک احداث شده است. پیش از انقلاب ۵۷، حجم کل سدها ۱۲ میلیارد مترمکعب بود که امروزه از ۵۰ میلیارد فراتر رفته. در واقع احداث بی‌رویه و مافیایی سدسازی بعد از اتمام جنگ ایران و عراق گسترش یافت. سپاه که در دوران جنگ صرفا تجربه ساخت خاکریز و سنگر داشت به یکباره به گول مافیایی سدسازی مبدل گشت و قرارگاه خاتم‌الانبیاء در ۱۳۶۸ به استناد اصل ۱۴۷ قانون اساسی تاسیس شد که «محسن رضایی» از بنیانگذاران آن است. سپاه تمامی نیروی نظامی‌اش را به حوزه اقتصاد هدایت کرد و از استراتژی جنگ، استراتژی قدرت برآمد. تحکیم موقعیت سپاه و نظام ولایی با خیز برداشتن بی‌رحمانه سپاه و چنگ انداختن بر کل شریان‌های حیاتی اقتصاد، تحقق یافت. قرارگاه خاتم‌الانبیاء که مجموعه‌ای از شرکت‌های کلان تحت عنوان اختصاری «قرب»، قرب قائم، کربلا، سپاسد، امین، ثارالله، حرا، سدید، صالحین، کعبه، کهف، مکین، نصر، قائم، شرکت مهندسی نفت و گاز اسپانیر، قرب‌نوح، گروه تخصصی رجایی، گروه تخصصی سماوات کوثر، موسسه عاشورا، نیروگستر، مؤسسه نور، مؤسسه سماء، مؤسسه مشاور ایمن‌سازان و ... است، در کنار حوزه‌های

«آبرسانی، صادرات نفت و گاز، راه‌سازی، مخابرات و دهها حوزه دیگر» حوزه سدسازی را به یک ممر مافیایی برای خود مبدل نمود. تمامی فرماندهان زبده در رأس هیات‌مدیره این مافیا با سرکردگی «سرلشکر محمدعلی جعفری، فرمانده سپاه» قرار گرفتند: فرماندهان «نیروی هوایی سپاه، نیروی زمینی سپاه، نیروی دریایی سپاه، نیروی قدس و نیروی مقاومت بسیج» و نیز «رئیس دانشگاه امام حسین، فرمانده بنیاد همکاری سپاه و رئیس اداره خودکفایی سپاه پاسداران» از اعضای هیات‌مدیره می‌باشند. محمدباقر قالیباف، رئیس کنونی مجلس (۲۰۲۰) از سال ۷۶ تا ۸۵ سمت فرماندهی قرارگاه را برعهده داشت. بنابراین شرکت قرب که مستقیماً به فرمانده کل قوا، خامنه‌ای وصل است، از بزرگ‌ترین مقاطعه‌کاران ایران است. سپاه تا زمان صدارت احمدی‌نژاد در عرض ۱۷ سال ۱۵۰۰ پروژه را به پایان رسانده. بنا به گزارش کمیسیون مجلس در دوره نخست ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، قرارگاه خاتم‌الانبیاء ۸۱۲ شرکت ثبت‌شده در داخل و خارج ایران داشته است. امروز مجموعه قرارگاه در قالب ۸ هلدینگ تخصصی، ۴۰ مؤسسه و شرکت (خود زیر مجموعه است و بیش از هزار شرکت کوچک و بزرگ دارد) و ۲۰۰ هزار نفر نیروی انسانی و هزاران نفر نیروهای شرکت‌های پیمانکار فعالیت مافیایی می‌کند. حدود ۵ هزار شرکت پیمانکار خصوصی را در کنار قرارگاه به خود وابسته و مطیع ساخته است و با این سازماندهی به تنها قطب اقتصادی کل کشور مبدل گشته. این مافیا در سال ۱۳۹۹ صاحب تنها ۲۸۵ پروژه بزرگ در همه استان‌ها است. به هرتقدیر طبق برآورد کارشناسان حوزه اقتصاد، سپاه پاسداران سالانه بیش از ۱۲ میلیارد درآمد دارد و هیچگونه گزارش مالی رسمی به نهادهای اجرایی دولت ارایه نمی‌دهد. سعید محمد، فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء در ۳۰ مهر ۱۳۹۹ اقرار کرد که «حدود ۵ هزار شرکت پیمانکار خصوصی» در کنار قرارگاه مشغول فعالیت هستند. او از دولت خواست که برای ۱۱۲ پروژه قرارگاه، ۳۰ میلیارد تومان اعتبار تأمین کند و حتی ادعا کرد که در آن صورت، پروژه‌هایی به ارزش ۳۵۰ هزار میلیارد تومان تکمیل خواهد شد. جدیداً قرارگاه بنادارد که بیشتر به پروژه‌های بیشتر از ۱۰۰ میلیارد تومان واردشود. تعداد کارکنان قرارگاه ۲۰۰ هزار نفر می‌باشد (۲۰۲۰). در وبسایت شرکت قرب موارد ذیل اقرارشده:

«۷۵۰ قرارداد مهم در زمینه‌های مختلف راه و ساختمان، سدسازی، سیستم‌های آبیاری، شاهراه‌ها، تونل و سازه‌های بسیار مقاوم، شمع‌بندی تیرآهن‌های مشبک سه‌بعدی، ساختمان دکل‌های روی آب دریا و لوله‌کشی برای آب، گاز و نفت». مشاوران این شرکت همچنین در صدها پروژه دیگر استخدام شده‌اند. شرکت نامبرده در عملیات‌های پروژه‌هایش بصورت استثماری، کارگران قراردادی و موقت را به خدمت می‌گیرد که آنها را از حق بیمه محروم

می‌نماید. چه بسا تنها ده درصد از کل خدامانش از مهندسين و کارمندان گرفته تا کارگران رسمی، پرسنل رسمی آن شرکت را تشکیل می‌دهند.

به دلیل موافقت‌های مستقیم خامنه‌ای، قرارگاه خاتم‌الانبیاء پروژه‌های کلان کشوری را بدون برگزاری مناقصه تصاحب می‌کند. هریک از قراردادهای قرارگاه نامبرده از دوران پس از جنگ تا به امروز میلیاردی بوده که از نمونه‌های بارز آن، قرارداد سه میلیاردی احداث خط لوله گاز منطقه عسلویه است. وزارتخانه‌های کشور همیشه و در هر دوره پروژه‌های نفت و گاز، مخابرات، آب، برق، راه و ساختمان را به سپاه واگذار می‌نمایند. پروژه ۱۰ میلیارد دلاری طی قرارداد برای طرح‌های «توسعه سه فاز پارس جنوبی، ساخت خطوط انتقال نفت و گاز، توسعه پالایشگاه ایلام و توسعه میدان بزرگ نفتی سوسنگرد» از سوی وزارت نفت به قرارگاه خاتم‌الانبیاء رسید که رانت و فساد کلان را در پی داشته. آخرین پروژه، پروژه جمع‌آوری گازهای همراه نفت در غرب کارون موسوم به NGL کارون است که ابرپروژه‌ای نفتی است که با عملیاتی شدن آن بدست قرارگاه خاتم‌الانبیاء در ۱۳۹۹ حدود ۵۰۰ میلیون دلار درآمد سالانه دارد. تمامی پروژه‌های سدسازی در استان‌های شرق کوردستان یعنی اورمیه، کوردستان، کرمانشاه و ایلام و همچنین استان‌های محروم دیگر زاگرس و پائین‌دست زاگرس جنوبی یعنی «لرستان و خوزستان» به مافیای سپاه واگذار گردیده که از طریق آن اهداف سیاسی و نظامی سلطه‌گرانه‌اش را دنبال می‌کند. سپاه پاسداران به قول یحیی رحیم صفوی، فرمانده وقت سپاه در سال سوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، به دلیل وجود «ناامنی» و «بدی آب و هوا» پروژه‌های مناطق کوردستان و سیستان و بلوچستان را متقبل شده که یک اعتراف بزرگ در خصوص میلیتاریزه کردن و نسل‌کشی تدریجی است.

به این ترتیب ایران سومین کشور سدساز در دنیا است. چین و ترکیه در مقام‌های اول و دوم جهان قراردارند. چین ۸۷ هزار سد بزرگ و کوچک دارد. قبل از انقلاب فقط ۱۹ طرح اجرایی شد ولی امروزه با بیش از ۱۷۰ سد ملی بزرگ و در مجموع بیش از ۶۷۰ سد بزرگ و کوچک (در دست بهره‌برداری)، ۱۲۰ در دست ساخت و بیش از ۱۷۰ در دست مطالعه به اوج رسیده. دولت دهم احمدی‌نژاد با بهره‌برداری از ۳۹ سد، قله سدسازی را فتح کرد.



بخش ۲ پدیده انحصار

انحصارات غیرقانونی سپاه

درآمد بیش از ۱۲ میلیاردی سالانه سپاه پاسداران در حوزه اقتصادی بصورت فعالیت غیرقانونی و با انحصارات کلان آغاز شد. این روند با خریدن در لایه‌های مدیریتی دولت، تحقق یافت. پس از جنگ، رفسنجانی سپاه را وارد عرصه اقتصاد نمود و قرارگاه خاتم‌الانبیاء توانست قراردادهای کلان را با حمایت مستقیم خامنه‌ای بدست آورد. سپاه و بسیج در اکثر طرح‌های اقتصادی کشور درگیر هستند. قرارگاه ابتدا در زمینه راه و سدسازی بشدت فعال شد، سپس با زمامداری احمدی‌نژاد در حوزه نفت پروژه‌هایی را با حمایت دولت او در اختیار گرفت که منابع مختلف، ارزش قراردادهای نفتی آن زمان را بیش از ۱۵ میلیارد دلار برای سپاه ارزیابی کرده‌اند. سپاه از این راه توانست سود کلانی را تصاحب نماید و با قدرت بیشتر تظاهرات ۸۸ را سرکوب نماید. از آن پس در کل حیات کشوری دخالت داشته و سرک می‌کشد. بزرگترین شرکت هم‌پیمان و طرف‌قرارداد سپاه، شرکت «ساینو هیدرو چین» است. هیچکس و نهادی از فعالیت‌ها، سودآوری‌ها و هزینه‌های دقیق سپاه در حوزه اقتصاد خبر ندارد زیرا مکلف به ارائه هیچ گزارشی نشده. سعی می‌کند با جادادن چند تن از سرداران خود در مدیریت دولت، مناقصه‌های بزرگ را تصاحب نماید. در صورت مناقصه عمومی هم به دلیل داشتن اطلاعات دقیق در خصوص مناقصه‌ها، موقعیت برای برنده‌شدن حتمی را به‌وجود

می‌آورد و در عین نابرابری آن را در چنگال می‌گیرد. سدهای مختلفی که در ایران احداث می‌گردند تحت نظر مجموعه شرکت‌های قرارگاه خاتم‌الانبیاء قرار گرفته و تمامی مراحل از مهندسی تا کارهای ساختمانی و سپس اداره سدها در انحصار سدها شرکت او درمی‌آیند. خود سپاه مستقیماً تعیین می‌کند که چه شرکت داخلی و خارجی در طرح‌های ارائه‌شده سدسازی برنده گردند و کدام شرکت از دور خارج گردانده شود. اعطای تمامی قراردادهای پرسود بصورت کاملاً غیرشفاف و بدون ضابطه قانونی انجام می‌گیرد. پشتوانه نظام ولایی و دارایی مالی کلان این توان را به سپاه می‌بخشد که با قیمت کمتر مناقصه‌ها و مزایده‌ها را برنده شود. ولایت فقیه، فرماندهان سپاه و دولت با حمایت قاطع از سپاه، دستش را در ارتباط با بانک‌ها قوی‌تر می‌سازند لذا به منابع سرمایه‌ای و کلان‌ارزی آنها به راحتی دسترسی دارد. همچنین شرکت اصلی سپاه که قرب نامیده می‌شود، مشمول مالیات نمی‌گردد زیرا طی یک طرفند، حسابداری خود را به یک شرکت ثانوی سپرده که به‌مثابه شرکت ناظر، تابع قرب می‌باشد. اینکه اقتصاد ایران رانت‌خوارانه، رشوه‌ای و با اختلاس کلان است با همین حضور بسیار گسترده سپاه ارتباط دارد که مدلی مافیایی در سطح جهان می‌باشد. حتی سیستم‌های اقتصادی سرمایه‌دارانه در جهان قادر به تنظیم چنین دستگاه هیولایی نگشته‌اند. چه‌بسا مرحله‌ای خطرناک‌تر در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی آغاز شده و آن این است که به بهانه خصوصی‌سازی، شرکت‌های دولتی را به خصوصی‌های مستقل نه بلکه به شبکه مافیایی پرتعداد سپاه واگذار می‌کنند تا با یکدست‌سازی و هموژن کردن حوزه سیاست و مدیریت در چنگال سلطه سپاه و اصولگرایان، نظام ولایی را از وجود هرگونه مخالف و تابعان اپوزیسیون‌ها، پاکسازی نمایند. بنابراین سپاه تضمین قدرت را منوط به انحصار دارایی‌ها و ثروت‌ها می‌داند. کاری که در دوره پهلوی دستگاه خاندان شاهنشاهی می‌کرد را امروزه سپاه با شگردهای پلشت‌تر به انجام می‌رساند.

سوداگری در عرصه سدسازی از جمله تصاحب انحصاری دارائی‌ها است که این روند در چهار استان شرق کوردستان، لرستان، خوزستان و بلوچستان در حد بسیار وحشتناک و فاشیستی صورت می‌گیرد و مناطق محروم توأم با فشار سلطه مرکزی می‌باشند. صنایع و تکنولوژی فوق‌پیشرفته سدسازی امروزه دیگر در ید انحصار مطلق سپاه پاسداران است که از مدل اصولی خارج گردانده شده و اقتصاد کل ایران را که رانتیر است ناهنجار و ویرانگر زیست‌بوم ساخته. انحصار اقتصادی جزئی از ایدئولوژی ولایی سپاه است زیرا انحصار سیاسی از سرچشمه آن می‌جوشد. آب سدها که ۶۰ درصد آب برای مصارف کشاورزی و ۳۰ درصد آن برای آشامیدن مورد استفاده قرار می‌گیرد، جامعه را از این مجراهای تولیدی و کسب و

کار و خدماتی محتاج عامل مدیریت‌کننده می‌سازد که سپاه است. سپاه صدها سد بی‌رویه احداث و بازدهی معقول آنها را هم در چنگ دارد. همه اینها در حالی است که در مقوله تولید برق، مصارف زراعی و آب آشامیدنی، به دلیل سوءمدیریت سپاه، بازدهی‌ها بسیار پائین می‌باشد و متمایز از کشورهای پیشرفته در حد فاجعه است. می‌توان در مقوله بازدهی مخرب، سهم گاز طبیعی و سدها در تولید برق را برآورد نمود: گاز طبیعی در تامین انرژی مورد نیاز قریب ۸۰ درصد ولی سهم سدها تنها ۵ درصد می‌باشد. بنابراین داعیه سپاه و رژیم برای احداث سدهای بیشتر، بی‌پایه و اساس است. میزان بازدهی‌ها در مقایسه با کشورهای اروپایی بسیار نازل می‌باشد.

قبل از هرچیز، مدیریت سدها در ایران غیرعلمی و ضداقتصادی می‌باشد که قطعات پازل ضداکولوژیکی را تکمیل می‌نمایند. هیچگاه دیده نشده که با ضوابط متعارف مدیریت سالم همساز باشد. سرمایه‌گذاری در سدسازی بسیار گزاف و سنگین است ولی فقدان مدیریت صحیح خسران‌های جبران‌ناپذیر به بار می‌آورد. پس سپاه با ساخت هر سد، صرفاً آوارهای مکرر بر سر جامعه فرومی‌ریزد. این خسران‌ها بیش از همه متوجه جمعیت مناطق بومی است که می‌تواند مثلاً در شرق کوردستان به تغییر ظالمانه دموگرافی بیانجامد و زیست‌بوم را نابود نماید. با تجمیع آب گل‌آلود پشت سدها، ماهی‌سیاست صید می‌کنند. فلذا رفع نیاز جامعه نه بلکه چاپیدن سود و تصاحب قدرت، اولویت نخست سپاه است. با احداث هر سد در مناطق بومی و محلی، مردم آن مناطق را سرکیسه می‌کنند. ایدئولوژی و دستگاه ضاله شیعی ارزش والاتری از مفاهیم اکولوژی، دموگرافی و انسانی برخوردار است. سپاه زندگی شهر را رشد می‌دهد تا میزان نیازها را افزایش دهد و خود، مدیریت نیازها را قبضه نماید. سدسازی یکی از موارد نیازسازی برای محتاج نمودن مناطق بومی است و ارتباطی با ارزیابی‌های علمی و اقتصادی ندارد. منطق سودبری کلان و معاملات گسترده اقتصادی ثروت‌اندوز هدف نهایی رژیم است. اگر نه زمین‌های شرق کوردستان بطور طبیعی حاصلخیز و سرشار از منابع آبی طبیعی با یک اکوسیستم بکر زاگرسی است. پس هدف سپاه از احداث بی‌رویه سدهای متعدد چیست؟ شاید برای توجیه اقتصادی آن را به منافع عمومی و بومی ربط می‌دهند، اما این خدمت نیست، ظلم از طریق غارت سرمایه‌دارانه است. از مجرای ثروت‌اندوزی به جامعه می‌نگرند و سر از سلطه مهربان‌شدنی درمی‌آورند. تعداد بیشتر سدها و بزرگتر و بلندبودن تاج سدها را نماد شکوه دستگاه سلطه خود محسوب می‌نمایند. به تبعات و ابعاد اجتماعی و محیط‌زیستی کاری ندارند. مدیران رسانه‌ای وابسته به نظام و سپاه یک بمباران تبلیغاتی در خصوص ابهت سدسازی خود علیه اذهان عمومی به‌راه می‌اندازند و آن را جاعلانه نشانه

شکوفایی جلوه می‌دهند. بدون توجه به نیازها، برای جامعه «عشوهای شتری می‌آیند» و به آنالیز اجتماعی و زیست‌محیطی ذره‌ای توجه نمی‌کنند. در سال ۲۰۲۰ میلادی تعداد کل سدهای در دست مطالعه، احداث و به بهره‌برداری رسیده، طبق آمار شرکت مدیریت منابع آب ایران ۱۲۹۸ سد است که در سطح جهان بی‌سابقه است.

استراتژی مالی سپاه بویژه به سدسازی بند است که بر سر تصاحب آن با تمامی رقبای داخلی خود بویژه سرمایه‌گذاران خصوصی، سر جنگ و جدال دارد. قرارگاه خاتم‌الانبیاء بیش از ۳۰۰ شرکت سدسازی غول‌پیکر دارد که در زمره غارت‌گران نظام ولایی و برضد ملل متکثر در ایران به شمار می‌رود. سدسازی برای او نقش یک ابزار جهت پیشبرد سیاست نسل‌کشی بویژه در شرق کوردستان را دارد. تمامی بوروکرات‌های خطرناک و بی‌رحم کشور را بدون توجه به مبانی اخلاق و سیاست، وارد عرصه این کارزار نسل‌کشی نموده و با نام اسلام و رشد خدایی این اقدام شنیع را در اوج پستی انجام می‌دهد. این رویه به همان دوران جنگ ۸ ساله با عراق با مبانی اسلامی آغشته به ثروت و قدرت درآمیخته شده و از دوران «سازندگی» تاکنون ادامه دارد. به دلیل اینکه پیشرفت در صنعت سدسازی مستلزم سرمایه‌باورنکردنی برای استحصال تکنولوژی و ماشین‌آلات در کنار دانش و مهارت‌های آن بود. بصورت رانتیر دهه‌هاست بخشی کلان از بودجه جامعه مدنی در اختیار قرارگاه خاتم قرار گرفته و این یک بدون حمایت قاطع هریک از دولت‌ها و دستگاه بوروکراسی وحشتناک آنها ناممکن بود. تمامی بخش‌های ولایی در خدمت سپاه ائتلاف کرده‌اند. جناح‌های حکومتی در جدال‌های درون نظام هریک از ناحیه سپاه، سهم رانتی می‌برند. این سودجویی بدون انحصار ثروت‌های جامعه مدنی غیرممکن است. شعار «سد برای پول، پول برای سلطه» اصل و اساس نظام ولایی و سپاه را شکل داده. سراسر ایران، بازار قبضه شده برای سپاه است و از دل شهرها یا بنادر و بر تاج بلند سدها، پرچم بی‌رقیب خود را برافراشته‌اند. همانقدر که از رانت واردات دستگاه تجارت‌پیشه و سهم نفت، رانت می‌خورند، به همان میزان هم رانت‌های حوزه سدسازی را هم بصورت سازمان‌یافته به یغما می‌برند. بنابراین ایدئولوژی پول و قدرت بر ایدئولوژی دین در بطن خود نظام‌شان ارجح‌تر است. نظام و سپاه بدون توجه به انتقادهای داخلی و جهانی، توسعه‌طلبی ایدئولوژیک را مبنا قرار داده‌اند و سپاه بر تارک و سردر این دستگاه عظیم‌الجثه ظالمانه خودنمایی می‌کند. بی‌اعتنایی به جامعه مدنی و سرکوب آن در کنار نسل‌کشی علیه اکولوژی و ملل غیرفارس، خود ملت فارس را نیز در قعر مغاک این ستم فروبرده. دیگر «نان و آب و آزادی» در مخاطره جدی قرار دارند ولی «رستگاری نظام» به از رستگاری انسان « تلقی می‌گردد. در معیار کمیتی سدسازی، به ناگزیر به قیمت تنومندی و

طنطنه دستگاه نظام، جوانب انسانی و اکولوژیکی را قربانی کرده‌اند. تمامی محافل حاکمه دستگاه در ید قدرت پیرامونیان ولایت قبضه شده و به نظرات و نیازهای جامعه مدنی وقعی نمی‌نهند. حتی از هم‌اکنون نیازهای نسل‌های صد سال آینده را تعیین می‌کنند. سدسازی به اندازه پروژه هسته‌ای در خدمت مطامع جاه‌طلبانه ایدئولوژی شیعی و صدور خارجی آن است. هزینه سود و زیان این طمع‌ورزی را صریحا زیست‌بوم و خلق شرق کوردستان بیش از هر جای ایران می‌پردازند. در واقع کاری می‌کنند که این خلق، تاوان کوردبودن و زاگرسی‌بودن هویتش را بپردازد. نسل‌های فرهنگ و موجودیت انسانیش را در معرض هولناک‌ترین آسمیلاسیون و نسل‌کشی قرار داده‌اند. هر سد ماشینی عظیم‌الجثه نسل‌کشی «فرهنگی، اکولوژیکی و فیزیکی» است که آرام آرام از روی بدن خلق کورد عبور داده می‌شود. با محاسبه زیان‌های وحشتناک اقتصادی، اجتماعی، فکری، زیست‌محیطی و سیاسی-نظامی، تمامی جوانب این اهداف نظام افشا می‌گردد. سدسازی یک موج از امواج پرشتاب این پروسه نسل‌کشی است. بنابراین، هدف، فراتر از تاراج ثروت‌ها، درحد نسل‌کشی ملل وسیع می‌باشد. پیمانکاران و مدیران پروژه‌های سدسازی تنها منافع سرشار برای نظام حاصل نمی‌کنند، بلکه زمینه نسل‌کشی برای سلطه بیشتر بر ملل را هم فراهم می‌آورند. وقتی سدها فقط ۵ درصد برق ایران را تامین و قریب ۱۰ درصد زمین‌های زراعی را آبیاری می‌کنند، توجیه سدسازی بی‌رویه خارج از اقتصاد ولی به نفع نظامی‌گری و سیاست چه می‌تواند باشد؟! وقتی منطقه بلوچستان رودخانه ندارد، هدف سپاه از ساختن قریب ۴۰ سد، چیست؟! پس نتیجتا ساخت‌وسازهای سپاه مهم است نه رفع نیاز جامعه. بندگان آئین پول‌پرستی در اطراف دریاچه اورمیه قریب ۹۰ سد می‌سازند. تمامی اینها نه تنها جامعه ملل ایران بلکه اکوسیستم فلات را هم از تعادل اجتماعی و زیست‌محیطی انداخته. هرسد، کوه و دشت و جنگل و زراعت و روستا را نابود می‌کند و می‌بلعد. بازشناسی خصوصیات اکولوژیکی، ژئوتکنیک و زمین‌شناسی برای قرارگاه خاتم اصلا محلی از اعراب ندارد.





بخش ۳

اهداف اقتصادی، نظامی و سیاسی

۱- اهداف اقتصادی

الف- مافیا، ثروت، سلطه

نظام ولایت فقیه از همان اوان زمامداری خود در پی تثبیت قدرت با اتکای ظالمانه بر عرصه اقتصاد برآمد و بنای کار را بر کسب سود کلان و مدیریت آمرانه گذاشت. حدود و ثغور سلطه حول وحوش یک نظامی‌گری صرف برای سپاه را نازل دانست. شعار «ثروت، قدرت است» را در اولویت با شعار «علم، قدرت است» قرارداد که هر دو شعار، سرمایه‌دارانه هستند. این است که از همان عنفوان نوپایی نظام در دهه ۶۰ اکونومیسم یا اقتصاد سیاسی سرمایه‌دارانه را در قالب یک مدل منحصر و متفاوت با مدل هژمونی آمریکا - اروپا گنجانند و معیارهای دموکراتیک را برنتابید. صبغه تجارت اسلامی ولایت فقیه‌ی را چرباند.

در نظام‌های دموکراتیک دنیا، معمولاً هیچ نظامی حق ندارد ارتش خود را در «اقتصاد» و «مدیریت سیاسی» دخالت دهد. هم ایران، هم آمریکا و اروپا و بعبارت دیگر، نظام‌های دولت-ملتی سرمایه‌دارای همه ارتش خود را به انحاء پنهانی و آشکارا یا با ترفندهای مدلی در دو حوزه مذکور دخالت می‌دهند و بیشترین بودجه گزاف را به جنگ و ارتش اختصاص می‌دهند. تخصیص بودجه برای سپاه پاسداران طبق قانون اساسی یک مقدار و رقم معین آشکار و رسمی را بنا به مصوبات سالانه دارد، اما بصورت شگردهای فرآیندی، از نهادهای دیگر نظام و دولت به‌مثابه ابزار نهاد جهت تخصیص و کسب مقادیر بیشتری بودجه خیزبرمی‌دارد و با ترفند «تعدد نهادها» می‌خورد، زیرمجموعه‌ای وزین جهت اخذ رانت از تمامی ثروت‌ها و دارایی‌های ملی می‌گردد. سپاه با شاخه‌های فرعی و جانبی و بسیج، از حوزه نظامی گرفته تا جهاد اقتصادی و خدماتی، بودجه کلان دریافت می‌کنند. بودجه خیالی و نجومی توان مانور بیشتر برای برنده‌شدن انحصاری در مناقصه پروژه‌ها و طرح‌ها را افزایش می‌دهد و بالاخره سپاه پاسداران به دستگاه مخوف و غول‌اقتصاد رانتیر مبدل شده.

همه این مولفه‌ها، سوای اختلاس‌ها، رشوه‌خواری‌ها و فسادهای مالی این دستگاه تنومند و شاخه‌های پرتعدد آن است. مافیای سپاه بصورت فراقانونی و فرانهادی، مستقیماً به بیت رهبری (خامنه‌ای) وصل بوده و در استان‌های سراسر کشور با افراط و تفریط به احداث سد اقدام می‌کند و هیچ ارگان و نهاد رسمی دولتی در استان از استانداری گرفته تا شهرداریها و اداره آب و منابع طبیعی قدرت و جرات مخالفت با سپاه را ندارند. در هر حوزه مدیریتی و فعالیتی، مفهومی از جهاد را تعریف و منافع سرشار را پارو می‌کنند: جهاد سازندگی، جهاد خدمتگذاری، جهاد فرهنگی، جهاد تولید و انواع جهادهای گزافه‌گویانه که مبتنی بر خیز برداشتن برای کسب «انحصارات» است. اهداف اقتصادی سپاه و ولایت، بر ستون سیاست‌ورزانه انحصار استوار می‌باشد. اگر نحوه سیاست و تشبث در حوزه‌های فعالیت بر انحصارات بنا نداشته باشد، حوزه‌های خصوصی مستقل و دولتی خارج از نهاد سپاه پاسداران، رقیب‌های خطرناک خواهد داشت. بنابراین کوچک‌ترین امکان برابری را نابود می‌کند تا رقیب بلامنازع باقی‌بماند.

از پروژه‌های فرهنگی و زراعی گرفته تا راه و ساختمان، نفت و گاز، سدسازی، تجارت، واردات و صادرات، مخابرات، کشتی‌سازی، پتروشیمی، فلزات، معادن، برق، صنایع مادر و بسیاری صنایع زیرساختی، انحصارات در دست بیش از ۳۰۰ شرکت غول‌پیکر سپاه است. ساختن جامعه مدنی مدنظر نیست، رام کردن آن مطمح‌نظر می‌باشد. حتی سپاه پاسداران اشتغال نیروی کار در کل کشور، تحرک مکانی آن، مبدل کردن آن نیرو به ارتش بیکاران که مرتباً در دور باطل اشتغال نیمه‌کاره و قراردادی گرفتارند، در ید قدرت خود قبضه نموده. برای تنظیم نیروی کار، بازار و حوزه مصرف نیز چندین بانک راه‌اندازی کرده و یدی قوی در مناسبات و سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی دارد. فلذا در هر نقطه‌ای از کشور که بازار داخلی و مراودات خارجی به تنظیم، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نیازمند باشد، سپاه بصورت مداخله‌جویانه اقدام و ابتکار عمل را در دست می‌گیرد.

ساختار نظام ولایی ایران بر حسب حضور سپاه پاسداران در تمامی نهادها به انحاء آشکار و پنهانی با دورزدن قانون و ساختار نهادها طراحی شده. اهداف بلندپروازانه و زیاده‌خواه سپاه سه‌گانه همزاد «جامعه، زن و اکولوژی» را نابود می‌سازد و هر کدام قربانی «ثروت و قدرت» گردانده شده‌اند. حرص ثروت‌اندوزی با بی‌توجهی به علم ممکن نمی‌گردد. فقدان دانش، بی‌لیاقتی سیاسی و فنی، ندانم‌کاری اداری و مدیریتی و رد دیدگاه جامعه از سوی سپاه، ایران را با بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی روبرو ساخته. انحصار و قدرت، شدیداً نابسامانی ایجاد نموده زیرا امر تملک بر ثروت و توزیع آن نابرابر و

در دست سپاه است. حتی ارتش فقیرتر از سپاه نگه‌داشته می‌شود که این رفتار با جامعه هم تکرار می‌گردد. انگیزه سپاه انگیزه قدرتمند مالی، فساد و رشوه‌خواری است. در معاملات شفافیت ندارد که عدم پیگیری قضایی هم بر آن علاوه می‌شود. سهم‌بری خامنه‌ای از درآمدهای نفتی، امتیازات مالی بی‌شمار سران سپاه پاسداران و نهادها و بنیادهای وابسته به آنها، نمونه‌هایی از فسادهای فراگیر است. در این نظام سرطانی، سیستم سدسازی نیز فرصت بسیار مناسبی برای انجام معاملات ناشفاف و رانت‌ها، اختلاس‌ها و رشوه‌گیری‌های متعدد بشمار می‌آید.

سپاه در پی اهداف اقتصادی خود، اهداف سیاسی را نیز متحقق می‌سازد و آن، سلطه بر منابع و خدمات در حوزه‌های «برق، زراعت، آب آشامیدنی و مصارف صنعتی» است که در کنار اهداف نظامی، خواست آنها را برآورده و تحکم بیشتر بر جامعه را فراهم می‌گرداند. بر روند خدمات و مصرف مردم کنترل دارد.

سپاه با پی‌گیری اهداف خود، زیان‌های سنگین اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و زیست‌محیطی وارد می‌آورد. این دقیقاً همان مقوله «بیوقدرت» است. اقتصاد برای سپاه پاسداران در مفهوم «بیوقدرت» خلاصه گشته و طی یک فتوای جعلی دینی نیز این عمل را «جهاد در راه اندیشه» آن هم به هر قیمتی می‌نامد و بر جامعه تحمیل می‌کنند. نظام از همان اوان می‌دانست بدون تکیه‌گاه اقتصادی، ایدئولوژی شیعی نمی‌تواند قوام سیاسی بیابد و قدرت را از کف خواهد داد. وقتی مشروعیت سیاسی را از کف داده‌اند، تضمین بقا را در کنترل پول و قوت‌لایموت مردم می‌بینند که آخرین حربه آنهاست.

گسترش سدسازی در چند دهه گذشته براساس «نیاز اقتصادی» نه بلکه بر بنیان «نیاز قدرت سیاسی» بوده. از این مجرا در حوزه مفهومی «بیوقدرت» وارد و در حد جنون ثروت و قدرت پرمخاطره گشته. نهادینگی قرارگاه خاتم‌الانبیاء به جهت مهار رقبا و مخالفت‌های داخلی و خارجی طی طریق نموده. یک قرارگاه نظامی - اقتصادی است که هیچوقت به نرخ رشد اقتصادی کشور توجه ندارد. شعار خودکفایی ترفند و فریبی بیش نیست. اهداف اقتصادی سپاه و قرارگاه آن، رشد بیوقدرت از مراحل ابتدایی گرسنه گذاشتن، وابسته‌گرداندن ملل ایران شروع و تا به حد نسل‌کشی فرهنگی و فیزیکی کش و قوسی بحران‌ساز می‌یابد. کدام ملت و منطقه بومی ایران هست که درگیر این ماجرا نشده‌باشد؟! چرخ این اقتصاد مافیایی حول محور نفوذ قرارگاه، آن بزرگترین مقاطعه‌کار می‌چرخد. فقط شرکت قرب وابسته به قرارگاه دارای بیش از ۳۰ هزار مهندس، کارمند و کارگر است که تنها ۱۰ درصد آنها پرسنل رسمی بوده و بقیه قراردادی می‌باشند. باید اقرار داشت که ظرفیت ذخیره‌گاه سدهای ایران

یک‌ونیم برابر میزان آبهای جاری است که عمق فاجعه را نشان می‌دهد.

با این تفصیل، ثروت هنگفت و غارتی سپاه، نظام ولایی را همراه او در مقابل تکانه‌های بنیان‌برافکن خصوصت‌های خارجی مثلًا تحریم‌ها و چه‌بسا احتمالاً جنگ، مقاوم می‌گرداند درحالی که آه از نهاد جامعه برمی‌آید. درگیرودار این بحران‌های سیاسی و اقتصادی، وضعیت شرق کوردستان و مناطق آن همیشه اضطراری - امنیتی هستند و مدام رویاروی فرایند انواع نسل‌کشی‌ها می‌باشند که از این منظر با دیگر مناطق ایران تفاوت ماهوی دارند. شبکه‌ای گسترده از شرکت‌ها در قالب شرکت‌های تعاونی، پیمانکاری، بازرگانی، صنعتی و مهندسی سپاه و بسیج برنامه‌های ستمگرانه علیه ملت کورد را در حوزه نسل‌کشی اقتصادی دنبال می‌کنند. صنایع نظامی از تولید تا فروش خارجی را در خدمت این اهداف پلید خود قرار داده‌اند. احمدی‌نژاد اعتقاد داشت که سپاه بدون پایه اقتصادی توان درگیری در کوردستان را نخواهد داشت، لذا قرارگاهش را در پروژه‌ها وارد کرد. درآمدهای میلیاردی سالانه سپاه، تضمین بقا بر سر قدرت شده. تنظیمات طوری است که این غارت اقتصادی در شرق کوردستان و نسل‌کشی اقتصادی که بر پایه محروم‌سازی مبتنی بر سیاست بیوقدرت است، هیچگونه ضابطه قانونی ندارد تا سپاه مجبور به تاوان پس‌دادن نشود. این رویه از مناطق بومی تا مراتب اداری بالا به خامنه‌ای وصل است و روزانه فعالیت‌ها بازنگری می‌شوند و هر فعالیتی اقتصادی نه بلکه در درجه اول، امنیتی تلقی می‌گردد. نوع نگاه همیشه در کوردستان امنیتی است. سدسازی در کوردستان جدای از اهداف نظامی و سیاسی، مقاصد سوداگرانه را دنبال می‌کند و حکم غارت منابع آبی و ثروت‌ها را دارد. استراتژی این عملکرد هم محروم‌ساختن و متورم‌نمودن وضعیت‌های مکرر بیوقدرتی جهت امنیتی و ملیت‌ریزه کردن مضاعف‌تر است. جوانب رفتار و نگاه ایدئولوژیک به کوردستان و جامعه آن آنقدر قوی است که کل اقتصاد آن را زیر آوار آن دفن نموده. سرازیرنمودن ثروت و سوق‌دادن صدها هزار کارگر کورد بسوی تهران و کلان‌شهرهای ایران، سیاست سیستماتیک نظام، سپاه و بسیج علیه ملت کورد است. اقتصاد در ایران از مدل اصولی خارج شده ولی این بی‌اصولی در شرق کوردستان و مناطقی چون بلوچستان شدیدتر می‌باشد. کوردستان از حیث زیست‌محیطی و ملت کورد از حیث اجتماعی قربانی نتایج مخرب این مدل اقتصادی ایدئولوژیک ولی اضطراری گشته‌اند. سدسازی عامدانه و افراطی دیگر صورت مضمحل ایدئولوژیک پیدا کرده. یک رشته عظیم غارت مالی از کوردستان تا تهران امتداد یافته، اما هیچ‌یک از حوزه‌های اقتصادی به اندازه سدسازی جنبه نظامی و امنیتی نیافته که در سطور بعدی آن را تحلیل خواهیم نمود. ملت کورد و اکوسیستم بومی هر دو با خطرات نظامی و امنیتی ناشی از

سدسازی مواجه شده‌اند که به‌عینه می‌توان آن را مصداق بارز نسل‌کشی توأمان اقتصادی و دموگرافیک دانست.

سد نمی‌تواند اقتصاد بحرانی ایران را از بحران نجات دهد. هر سد بازدهی ۱۰۰ درصد از حیث استفاده بهینه از مقدار آب موجود در دریاچه آن، ندارد و از کل آبهای ذخیره در مخزن، تنها میزان نصف آن قابل تنظیم و استفاده است. از این میزان نیز ۶۰ درصد به مصرف کشاورزی می‌رسد و ۳۰ درصد به آب آشامیدنی اختصاص دارد. در کل، ۵ درصد برق کشور از ناحیه نیروگاه‌های سدها تأمین می‌گردد. استفاده، نازل می‌باشد. بی‌رویکی سپاه اجازه نمی‌دهد ارزیابی روشنی از بازدهی صدها صورت گیرد. تعداد سدهای ایران به مراتب بیشتر از فرانسه است و با برآورد میزان تولید برق در این دو کشور، سطح پائین بازدهی در ایران اثبات می‌گردد. مدیریت مافیایی، خود سدی است در برابر مدیریت اقتصادی و با ضوابط متعارف مدیریت سالم همساز نیست. بوروکرات‌های ریز و درشت دولتی خارج از قرارگاه سپاه هم با سوداگری‌های خود قضیه را پر آشوب‌تر می‌سازند. همه این غارت‌گری مافیایی را نیز در پوشش داعیه دروغین «جهاد سازندگی و خدمت به جامعه» انجام می‌دهند. طرح‌های سپاه، ظاهر اقتصادی دارند و یک دستگاه سیاسی عالی ممتد را برای خود ترتیب داده‌اند. سدسازی در این ابعاد وسیع، منطبق با منطق سودبری کلان و معامله اقتصادی ثروت‌اندوز برای قرارگاه فاسد خاتم‌الانبياء است. همین سپاه بود که ۹۳ هکتار از جنگل‌های شمال ایران را برای سدسازی تخریب کرد.

اساساً سرزمین شرق کوردستان از چنان زمین‌های کوهستانی و دشت پر آب و طبیعی برخوردار است که بجز موارد نادر علمی و کارشناسی شده که بتوان از بازدهی بهینه آن اطمینان داشت، به سد نیاز ندارد. بنابراین داعیه‌های سپاه و نظام از حقانیت و توجیه اقتصادی در راستای منافع بومی برخوردار نیست. این در واقع یک اشتباهی سیری‌ناپذیر سرمایه‌دارانه سپاه در مسیر کسب قدرت ضاله است. سدسازی سپاه نشانه شکوفایی ندارد و تابع نیازها نیست. در واقع منافع مالی سپاه بر دوگانه اجتماع و اکوسیستم ارجحیت دارد. سدسازی تنها یکی از شاخه‌های کثیر اقتصادی سپاه است و جایگاهی خطیر در استراتژی مالی او دارد و چون به دلیل سنگین‌بودن به سرمایه کلان و فناوری پیشرفته نیاز دارد، همیشه ائتلاف سیاسی در درون نظام جهت ارتقای توانایی‌های خود ترتیب می‌دهند. بر سر منافع عظیم حاصل از حوزه‌های اقتصادی، مرتباً میان جناح‌های درون نظام جدال مستمر صورت می‌گیرد. جدال بر سر انحصار به محرومیت بیشتر مردم بومی منتهی می‌شود. سدزدن، پنهان‌کاری، چپاول و توطئه از این طریق، زنجیره ممتد در شرق کوردستان دارد. با تبلیغات

جنگالی نیز پیشرفت را بر پایه تعداد سدها و بزرگی آنها قراردادده‌اند. اینگونه، اجتماعات، محیط‌زیست و فرهنگ‌ها در خطر قرار گرفته‌اند. از همین امروز آینده تخریب‌شده‌ای را برای ملت‌های ایران و ملت کورد رقم می‌زنند. هزینه و زیان مهم نیست، سود و سیاست‌ورزی سلطه‌گرانه اهمیت دارد. سپاه خود را پشت دیوار و تاج دروغ سدها پنهان کرده. اجازه نمی‌دهند ترازنامه سدهای موجود روشن گردد تا تحلیلی شفاف صورت گیرد و قانونا تاوان آن را نپردازند. اگر اهداف اقتصادی و مالی سلطه‌گرانه را دنبال نمی‌کنند، پس چرا در بلوچستان که رودخانه ندارد، سد احداث می‌کنند؟! بخاطر منافع سرشار به ساخت‌وساز بیش از ۹۰ سد در اطراف دریاچه ارومیه اقدام می‌کنند و به تبع آن از بودجه تخصیص‌یافته برای احیای دریاچه خشکیده هم سهم رانتی می‌برند. وقتی «سد کارون ۴» قریب ۱۰ میلیارد دلار هزینه داشته، ولی از حیث علمی ضرورتی برای احداث آن دیده نمی‌شود، پس سودجویی در اولویت هدف سپاه است زیرا این سد ۲۳۰ متر ارتفاع دارد پس هزینه بالا، رانت گزاف‌تری از بودجه را برای قرارگاه حاصل می‌نماید. از جمله هزینه‌های سدها اینها می‌باشند: هزینه ساختمان سد، هزینه آزمایش زمین‌شناسی، هزینه توربین‌های برق، هزینه مهندسی، هزینه تعمیرات، هزینه امنیتی، هزینه تخریب هزاران هکتار کشت، خانه، روستا و آثار زیست‌محیطی و فرهنگی، هزینه انتقال برق، هزینه انتقال جمعیت، هزینه فعالیت جاری، هزینه وام‌های خصوصی، هزینه مشاورتی، هزینه لایروبی، پاکسازی و غیره.

نظام گذشته از عدم ارائه آمار صحیح به جامعه، صریحا و عملا نسبت به هریک از این هزینه‌ها بی‌توجه است، زیرا نمی‌خواهد هزینه‌های بیشتری را در خدمات‌رسانی بر دوش خود تحمل کند. هر سد آخر سر بخاطر عدم لایروبی، غیرقابل استفاده می‌گردد و نهایتا زیان اقتصادی جدی وارد می‌آورد.

به این تقدیر، اقدامات اقتصادی سپاه به ساختار سیاسی و بنیان‌های قدرت بطور معمول ربط دارد. فلذا سلطه مهم است نه مثلا تباه‌شدن سالی ۵ میلیارد تن خاک حاصلخیز که روان‌آبهای جاری به وجود می‌آورند. سدها فقط هزینه‌های سنگین بر مدیریت تحمیل می‌کنند و چون سدها صرفا ۵ درصد برق ایران را تامین و ۱۰ درصد اراضی زراعی را آبیاری می‌کنند، بازدهی قابل‌انتظار تبلیغ‌شده را ندارند و تمام رودخانه‌های حیاتی آسیب می‌بینند. قرارگاه خاتم‌الانبیاء و دولت‌ها چهره‌های دروغین و تقدیس‌شده از سدسازی جهت افناع جامعه مدنی، ساخته‌اند و آبادانی را برکت آن تلقی می‌کنند. سدها رسانه نظام اخبار «توسعه، عمران و آبادانی» را تبلیغ و اذهان عمومی را بمباران می‌کنند. سپاه با ایجاد انحصارات، بخش اعظم درآمد سالانه ملی را به خود اختصاص می‌دهد و اگر نهادهای رهبری متصل به

سپاه را به حساب آوریم، همه آنها که جمعیتشان بصورت تقریبی ۱۰ درصد کل جمعیت ایران است، بیش از ۶۰ درصد ثروت ایران را در تملک خود دارند که مشابه نابرابری میان سرمایه‌داران و مردم آمریکا است. سپاه که به‌مثابه یک قدرت نظام در ساختار سیاسی تحمیل جای گرفته و دست‌بردار درآمدهای رانتی سرشار نیست، اجازه کنش سیاسی به دو حوزه «اجتماع» و «محیط‌زیست» نمی‌دهد. شکاف میان نظام و مردم از همان اوان به دلیل خزیدن سپاه و نهادهای رهبری در عرصه اقتصاد، ایجاد شده و ترمیم‌پذیر نمی‌باشد. به همین دلیل امیدی به اصلاح این نظام نیست، دست برداشتن سپاه موجب نابودی و یا به حاشیه‌رفتنش خواهد شد، فلذا دیوانه‌وار به مخالفان هجوم می‌برد. در سال‌های اول انقلاب، نمایش بیرونی و ظاهر‌سازانه سپاه که با ارائه مکانیسم‌های موجه انقلابی و پشتوانه فتوای روحانیون، ترویج یافت و توجیه‌کننده به نظر آمد، بخشی از افکار عمومی را اقناع ساخت، ولی امروزه لو رفته و مشروعیتش را باخته. مردم دیگر می‌دانند که «سدها سبیل آبادانی، توسعه و عمران نیستند». سویه‌های تبلیغات رسانه‌ای نظام هم دیگر چندان کارساز نمی‌افتد. دلیل روشن آن این است که بجای رشد اقتصادی، فوق‌بحران‌ها را دامن‌زده.

تمامی عملکردهای سپاه به نظام سرمایه‌دارانه ایران بصورت یک مدل منحصر به فرد برمی‌گردد، پس دارای دلایل ساختاری است و دوام و قوام حاکمیت ولایی در پیوند مستقیم با سلطه سپاه می‌باشد، بنابراین دوام و پویایی نوع اقتصاد سرمایه‌داری با ساختار سیاسی بسته و ضددموکراتیک متکی بر رانتیر و مافیایی بودن در عرصه اقتصاد، بقای آن نظام را مستمر می‌سازد درحالی که باید ریشه‌های آن تیشه بخورد. تامل آنها این است که اگر بازوی نظامی یک بازوی قوی اقتصادی موازی نداشته باشد، ولایت‌فقیه نمی‌تواند در برابر مبارزات دموکراتیک جامعه مدنی تاب تحمل بیاورد.

ترکیه و ایران در خاورمیانه که از نظر سدسازی مقام‌های دوم و سوم جهان را دارند، اشغالگر سرزمین کوردستان می‌باشند و هر دو ملت ارتشی یا ارتش‌سالار برساخته‌اند. هر دو، مافیای اقتصادی برای پیشبرد فاشیسم وضع نموده‌اند. جنون سدسازی هم به دلیل نیاز به آن برای سرکوب ملت کورد، در وجودشان فوران کرده. سرکوب‌ها را با دخالت در اقتصاد و مافیایی کردن آن، نهادمند نموده‌اند. با کسب ثروت، توان سرکوبگری خود را افزایش می‌دهند. سپاه به دلیل توان اقتصادی، نه‌تنها ابزار نیست بلکه خود به جریان مسلط در دل طبقه حاکم مبدل گشته و زیردستان خود را ابزار دست قرار داده. سپاه بدون الگوهای سرمایه‌داری معمول و همسان‌سازی تجاری اسلامی با رویه‌های سرمایه‌داری لیبرالیستی، اصلاً به این توانایی دست نمی‌یازد. سهم مردم هم می‌شود سرکوب سیستماتیک و محرومیت و فقر. درآمدها

در مسیر اهداف نظامی - امنیتی بویژه در شرق کوردستان خرج می‌شود. هیچ چشم‌اندازی امیدوارانه را برای ترقی در تهران و کوردستان باقی نگذاشته. وزارتخانه‌های دولت و مصوبات مجلس به‌مثابه دونهاده در کنار حمایت‌ها و پشتوانه‌های نهاد رهبری بودجه را سالانه در کانال سرطانی شدن غول سپاه سرازیر می‌نمایند. این است اقتصاد ملی و ایدئولوژی اکونومیسم منتج از ساختار سرمایه‌داری انگلی ایران. سپاه بزرگترین قطب اقتصادی کشور شده و با هزینه‌های گسترش سازمانی، لجستیکی و نظامی، پایه‌های سلطه نظام ولایی ربوی را تحکیم بخشیده. رژیم با صدور انقلاب، می‌کوشد این سیستم اقتصاد نظامی را در کشورهای عراق، سوریه و غیره پیاده نماید. ساختار سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک در ایران انحصاراً متکی بر سپاه پاسداران است بنابراین با ماهیت جامعه مدنی فرسنگ‌ها فاصله دارد. آنقدر محافظه‌کار است که تمدن دموکراتیک را بر نمی‌تابد تا گره از کار ملل تحت ستم گشوده نشود. ترکیه هم «سگ زردی است برادر همین شغال». گاهی در این سیستم، چندین وزارتخانه اصلی کاملاً به کنترل سپاه درمی‌آیند، برای مثال: وزارت راه، وزارت نیرو و نفت. چنین رویه‌ای در خاندان اردوغان در ترکیه روال است.

به هر حال سپاه پاسداران آشکارا اصل ۵۰ قانون اساسی نظام ولایی خود را زیر پا می‌گذارد. در این اصل تبیین شده: «فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». در ۳۰ سال گذشته بیشترین تخریب عرصه‌های زیست‌محیطی ایران محصول دوران فعالیت اقتصادی مافیایی سپاه پاسداران است و هیچ جای ایران از گزند آسیب‌ها بی‌نصیب نمانده. از بهمن سال ۱۳۶۸، زمان تأسیس قرارگاه، بواسطه تصویب «قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» که طی آن دولت درصدد تأمین اعتبار کافی برای پروژه‌های بزرگ سدسازی، صادرات و بهره‌برداری از میددین گازی پارس و پارس جنوبی برآمد، سپاه نفوذ پیدا کرده و مکرراً حوزه اقتصاد و محیط‌زیست را سرطانی می‌نماید. در این سالها، سدسازی نماد توسعه در سازندگی معرفی گشت. هر جا دره و رودخانه‌ای یافتند، به آن بعنوان کار، پول و منشأ قدرت نگاه کردند. این سازه‌های سرطانی از سوی مقام‌های بالا توجیه می‌گردد. این رویه به مرور به تضاد بین امنیت آبی و غذایی مبدل شد. هزینه و آثار منفی سدها، فایده آنها را زیر آوار می‌برند. سپاه با سدسازی غیردموکراتیک تاکنون به آراء مردم وقعی ننهاد. در سراسر کشورهای دموکراتیک، مردم با اعتراضات خود مانع سدسازی در مناطق بومی خود می‌شوند ولی در ایران و ترکیه سرکوب و خشونت با هدف نسل‌کشی راه را بر رفتار دموکراتیک بندآورده. آخر سر پس از سه‌دهه افراطی سدسازی اینک دولتمردان بی‌شرمانه طرح‌های

دیگر انتقال آب از دریاچه خزر و خلیج فارس به مناطق مرکزی را در دستور کار قرار داده‌اند و آن همه غده سرطانی سدها را علیه مردمان بومی رها نموده‌اند. شاخص محیط‌زیستی آن در کشور ایران در جایگاه مناسبی قرار داشت ولی سدسازی که به حد اشباع رسید، نابودش کرد.

ب - غارت منابع آبی کوردستان

مهندسی آب در شرق کوردستان توسط سپاه پاسداران حکایت تلخ غارت منابع آبی با استفاده از خطوط لوله به استان‌های مرکزی است. پروژه‌های سدسازی - آبی سپاه به نام کوردستان، ولی به کام نظام رقم خورده، زیرا درحالی که بنا به آمارها قریب یک میلیون هکتار از اراضی مناسب استان کوردستان بصورت دیم باقی مانده و بسیاری روستاها و محلات شهرهای آن از آب آشامیدنی کافی و سالم برخوردار نیستند، آب پشت سدها به استان‌های مجاور جاری گردانده می‌شود.

بنا بر آمار «شرکت آب منطقه‌ای» استان کوردستان در ۲۰۱۹:

«سهم آب استان ۱۳ درصد آب تولیدی آن می‌باشد و سالانه در حدود ۴ میلیارد و ۷۵۵ میلیون مترمکعب آب در طبیعت استان تولید شده ولی از این میزان روان‌آب، فقط ۱۰ درصد آن یعنی حدود ۴۹۳ میلیون مترمکعب در کوردستان به مصرف می‌رسد».

این اقدام سپاه و رژیم آن به نابودی آبهای زیرزمینی، زراعی (باغداری، دامپروری)، صنعتی، تخریب محیط‌زیست، نابودی روستاها و تغییر نسل‌کشانه دموگرافی منطقه و بیکاری و مهاجرت منجر گشته. مدیریت منابع آبی و زیست‌محیطی در دست خلق‌مان در شرق کوردستان نیست. حقه‌ها از خلقمان سلب‌شده و متاثر از آثار سوء عملیات‌های مافیایی، روند توسعه مناطق شرق کوردستان با بحران شدید رویاروست. درحالی که مدیریت مافیایی سپاه آب سدها را به استان‌های مجاور به یغما می‌برد، حدود ۷۰۰ روستای استان آب شرب کافی و سالم ندارند و مثلاً دشت‌های سقز، دیواندره، بیجار و قروه، دهگلان و چهاردولی و موچش نیز از فقدان آب کافی برای شرب، کشاورزی و صنعت رنج می‌برند. استان کوردستان به آب موجود سدهایی چون ژاوه، آزاد و تلوار اجازه دسترسی ندارد. آب‌های کوردستان با صدها کیلومتر خط لوله و با صرف هزینه‌های سرسام‌آور به استان‌های مجاور منتقل می‌گردد. تبعات محرومیت از حقه‌ها موجی شدید از فقر، بیکاری، تخریب و مهاجرت را به دنبال آورده.

سپاه در این مسیر سوء، حتی قوانین بین‌المللی یونسکو را نقض می‌نماید. طبق این قوانین اگر مناطق بومی بخاطر انتقال آب آنها آسیب اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی

ببینند، نباید آبهای آنها به مجاورت انتقال یابد. در صورت رفع این نقیضه ملزم است آب به مناطق دارای کمبود اساسی منتقل شود. پروژه‌های انتقال منابع آبی شرق کوردستان به استان‌های مرکزی ایران غیرمنصفانه و ناعادلانه است. حوزه‌های آبی «سفیدرود، سیروان، زرینه‌رود، چومان، سیمینه‌رود، ساروق، کلاس و قزلجه» بصورت طبیعی روان‌آبهای مفید و سرشار در استان کوردستان هستند پس به سدسازی نیاز ندارد. حتی این رودخانه‌ها بر اثر سازه‌های سد آسیب دیده‌اند و پروژه‌های آنها به نفع خلق بومی نیست. سد داریان بر روی رودخانه سیروان گذشته از نابودی «چشمه بل» مناطق بالادست و پائین دست رودخانه را با آثار سوء زیست‌محیطی مواجه گردانده. آب‌های سدها را بدون رعایت منصفانه حقا به کرمانشاه و ایلام منتقل کرده‌اند. طرح انتقال آب سد داریان، هیروی و ازگله دارای ۵۶ کیلومتر تونل و همچنین حدود ۴۴۵ کیلومتر سامانه انتقال است. در حالی که دهها سد بر روی ۶ رودخانه در کرمانشاه احداث شده، آب سدهای استان کوردستان به آنجا منتقل و ۱۱۰ هزار هکتار از اراضی در دشت‌های ازگله، جاگیران، ذهاب‌شمالی و جنوبی، قراویز و حومه سرپل‌ذهاب، قلعه شاهین، بشیوه، قصرشیرین، گندمان، خان‌لیلی اردوبان و نفت‌شهر و دشت‌های «لیگ ۲، مهران، زرین‌آباد، دهلران و موسیان» در استان ایلام را آبیاری کند. تمام این پروژه از احداث سدها تا انتقال منافع سرشار ثروت را برای سپاه پارومی کند. اگر «چشمه بل (کانی بل)» زیر دریاچه سد نمی‌رفت، سهم هر نفر از حقا به آب شیرین و سالم آن ۱۰۰ هزار لیتر می‌شد. تنها بخاطر سد داریان غیر از کانی‌بل، ۱۴ چشمه دیگر و ۴۱ سایت تاریخی با قدمت چندین هزار ساله زیر آب رفته‌اند. فعالان کورد علیه پروژه داریان به اعتراضات مدنی گسترده دست‌زدند ولی رژیم ظالمانه بی‌توجهی کرد. بخاطر آثار سوء داریان، هزار هکتار از جنگل‌ها و مراتع درجه یک و قسمت‌هایی از روستای تاریخی هجیج، روستاهای روار، نوین، سلین، ناو، ورگه، ویهره اسپریز، زوم و تأسیسات آب معدنی زیر آب سد رفته‌اند.

سد کاظمی روی حوزه آبی زرینه هم که در سال ۵۰ به بهره‌برداری رسید، آب آن به اورمیه و تبریز منتقل می‌شود. آب سد تلوار در سنه هم به همدان و زنجان انتقال می‌یابد (به دشت‌های گرماب و بیزیند زنجان). ۱۸ تپه و آثار باستانی با قدمت ۷۵۰۰ ساله و همراه با ده روستا و ۳ هزار هکتار زمین کشاورزی زیر آب رفته‌اند و ۳ هزار کشاورز ناچاراً مهاجرت کرده‌اند. آثار باستانی مربوط به بقایای معماری دوره‌های مس، نوسنگی، میان‌سنگی و مفرغ بود. بهر حال هیچ بودجه‌ای به شهرستان بیجار برای تامین آب شرب از سد تلوار داده نشده ولی سپاه با دریافت بودجه ۵۶۰ میلیارد تومانی ۳ ایستگاه پمپاژ و ۱۳۸ کیلومتر خط انتقال

آب را برای همدان احداث نموده. این آب، ماده آرسنیک زیاد دارد ولی سپاه آن را به مثابه آب شرب به خورد مردمان همدان و زنجان می‌دهد که یک ستم مهندسی اجتماعی است. سپاه بخاطر سود کلان به موضوعات اقتصادی و تبعات اجتماعی و فرهنگی کوچک‌ترین توجهی نکرده و با هدر دادن هزینه‌های گزاف، جوابگو هم نیست. برخی مسئولان استان‌های ایران از بالا در مدیریت منابع آب استان‌های شرق کوردستان دخالت و اعمال نفوذ می‌کنند. پروژه‌های غارت منابع آبی استان‌های شرق کوردستان توسط سپاه حتی اصل ۴۸ قانون اساسی خود رژیم را نقض و فقط روی کاغذ باقی گذاشته. در این اصل آمده:

«در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیضی در کار نباشد، طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد».

همچنین اصل ۵۰ قانون اساسی رژیم می‌گوید:

«هرگونه فعالیت‌های عمرانی، اقتصادی و غیره که با آلودگی و یا تخریب

محیط‌زیست همراه باشد، ممنوع است».

شرکت‌های سپاه با احداث دهها سد بر روی حوضه آبریز دریاچه اورمیه نابودی فاجعه‌باری را نه تنها علیه مناطق بومی آن بلکه علیه استان‌های همجوار تا تهران، رقم زده. احداث سد و حفر چاه با أخذ مالیات از آنها برای سپاه منافع سرشاری در بردارد ولی عامل اصلی خشک‌شدن دریاچه اورمیه است. گرم‌شدن زمین و اقلیم موجب خشک‌شدن دریاچه نشده‌اند، زیرا اگر چنین بود، می‌بایست دریاچه وان در شمال کوردستان (در ترکیه) هم می‌خشکید. در منطقه آبریز دریاچه قریب ۴۰ سد احداث شده و ۲۵ سد به بهره‌برداری رسیده. در مسیر رودخانه‌های منتهی به دریاچه ۴۴ سد زده شده و رژیم در نظر دارد این تعداد را به ۹۹ سد برساند. آب سدهای احداثی به استان‌های مجاور منتقل و به مصارف سرشار سودجویانه می‌رسد. در مجموع ۷۵ سد مختلف دریاچه را به کام مرگ برده‌اند. رژیم با احداث ۲۴ سد در حوضه دریاچه اورمیه در سطح استان آذربایجان شرقی، شریان‌های آبریز به استان اورمیه شرق کوردستان و دریاچه آن را عملاً خشکانده و از سرازیر شدن حبابه لازم جلوگیری نموده. از اورمیه گرفته تا ایلام و لرستان در خط ممتد زاگرس شمالی تا جنوبی، سپاه مافیای سدسازی را به طرز جنون‌وار گسترش داده و از ناحیه احداث سدها و انتقال آبها به استان‌های مقصد، نفع سرشار می‌برد. از احداث سدها گرفته تا ساخت سدها کیلومتر تونل و کانال انتقال آب ثروتی میلیاردی از ناحیه غارت منابع آبی شرق

کوردستان و زاگرس به چنگ می‌آورد. این اقدام، آمال صرف اقتصادی و مالی را دربر ندارد، بلکه در پشت پرده، اهداف سیاسی، نظامی و امنیتی دستگاه قدرت ولایت‌فقیه برای اجرای نسل‌کشی‌های زنجیره‌ای علیه مناطق کوردی، مشاهده می‌گردد. بنابراین این سیر از غارت شروع و تا نسل‌کشی ادامه می‌یابد. هر سازه سد، تغییر در دموگرافی و آن نیز نسل‌کشی را ممکن می‌سازد. یکی از اهداف استراتژیک غارت و انتقال آب سدهای مناطق کوردی زاگرس، محروم‌ساختن خلق‌های آن با توسل به سیاست بی‌وقدرت سیستماتیک است که سپاه در رأس آن ماموریت اجرای آن جای گرفته.

۲- اهداف نظامی - سیاسی

الف - اهداف ضدگریلایی

طبیعت سرشار شرق کوردستان دارای چنان منابع آبی بخاطر کوهستانی‌بودن منطقه زاگرس است که جز در موارد استثنایی، ضروری و کارشناسی‌شده علمی به احداث سد نیاز ندارد. در بسیاری مناطق نیز شیوه حیات و زراعت منطبق با طبیعت زاگرس، دربرآورد با سراسر ایران، منحصر به فرد می‌باشد. چشمه‌سارهای جوشان با توجه به شاخصه کوهستانی‌بودن، این شیوه را تدریجاً خلق نموده. در کل اگر آماج و مقاصد رژیم ایران از سدسازی را با توجه به اطلاعات آماری، تحلیل نماییم، پی می‌بریم که اهداف خبیثانه نسل‌کشی فرهنگی و فیزیکی در پشت پرده تثبیت گشته.

در سراسر ایران ۱۳۳۰ سد بزرگ و کوچک در دست مطالعه و یا احداث شده که ۱۵۷ سد از آن مجموع در چهار استان شرق کوردستان واقع گشته. با احتساب مناطق لرنشین به‌مثابه یکی از قدیمی‌ترین شاخه‌های فرهنگی کوردی در زاگرس جنوبی که تا بخشی از استان خوزستان امتداد می‌یابد، شمار سدها ۳۲۱ است. در اورمیه ۶۲، در کوردستان ۳۱، در کرمانشان ۳۶ و در ایلام ۱۵ سد ساخته‌شده‌اند. در خوزستان و لرستانات نیز ۱۶۴ سد احداث گردیده. از جمله اهداف راهبردی سپاه پاسداران در مهندسی این سازه‌ها در پهنه ژئواستراتژیک زاگرس و شرق کوردستان، اهداف نظامی و امنیتی می‌باشد. خود مقامات سیاسی و لشکری رژیم در تابستان سال ۲۰۲۰ اقرار کردند که هدف راهبردی احداث سدها در نوار مرزی، نظامی و امنیتی است. همانطور که عیان است، ایران در مرحله کنونی جنگ جهانی سوم در خاورمیانه از سویی هدف اساسی در نقطه مرکزی سیبل حملات هژمونی جهانی واقع شده و از دیگر سو در مواجهه با جنبش آزادیخواهی کورد(پژاک) جدال رویارو

دارد. حضور پژاک هم در مناطق کوهستانی زاگرس قضیه را برای تهران و سپاه پاسداران امنیتی تر کرده. از مرز ماکو در استان اورمیه گرفته تا سرحدات جنوبی زاگرس در استان ایلام، هر چهار استان شرق کوردستان یک نوار ممتد و طولانی مرزی با رشته کوه‌های صعب‌العبور شکل داده‌اند. از دلایل عمده اقرار مقامات رژیم هم همین مؤلفه‌های نظامی می‌باشد. البته اهداف نظامی و امنیتی سدسازی صرفاً برای مواجه با نیروی گریلا و یا حملات هژمونی جهانی که در پایگاه‌های عراق و هولیر مستقرند، نیست. در روی دیگر این سکه، سیاست فشار علیه کشورهای همجوار بویژه اقلیم جنوب کوردستان و عراق قرار دارند. در جای خود به این مبحث به تفکیک خواهیم پرداخت.

در تبیین و موشکافی مقاصد ضدگریلابی، تنویر می‌گردد که سپاه پاسداران یک برنامه استراتژیک درازمدت در روند تصفیه نیروی گریلا دارد و از جمله تاکتیک‌های مقید به شاخصه‌های ژئواستراتژیک، سدسازی در دره‌های میان رشته کوه‌ها است که تردد آسان تیم‌های گریلابی و چریکی را می‌تواند فلج نماید. از سد بعنوان یک مانع و سیر طبیعی جهت سخت‌تر کردن جابجایی‌های نیروی چریکی در مناطق و آسان‌ساختن و بالابردن قدرت مانور برق‌آسا در موارد اضطراری علیه تیم‌های گریلا استفاده می‌گردد. دوزدن دریاچه یک سد بزرگ و نیمه‌بزرگ توسط یک تیم گریلابی از نظر استراتژیستین‌های نظامی سپاه دشوار است و مدت‌زمان لازم را برای حرکت گروه‌های ضربتی‌شان جهت تصفیه و پاکسازی منطقه موردنظر از وجود گریلا حاصل می‌کند. هکذا به زغم آنها دسترسی آسان تیم‌های گریلابی به روستاها و انجام تبلیغات و پروپاگاندا، کند، سخت و یا ناممکن می‌گردد و مابقی کنترل نظامی مناطق مجاور سدها با احداث پایگاه‌های پرتعدد و پادگان‌های بزرگ و زنجیره‌ای بر روی تپه‌ها و قله‌های استراتژیک در کنار سدها، مجال تحرکات مکانی را از نیروی گریلابی «یگان‌های شرق کوردستان» می‌گیرد. دو مورد را می‌توان با مذاقه در این مقال بررسی نمود: نخست اینکه تجارب عملاً چه چیزی را در سه دهه سدسازی افراطی به لحاظ نظامی - امنیتی آن هم با کاربرد فناوری پیشرفته تسلیحاتی، ثابت کرده. تیم‌های میکروساختار نیروی گریلابی ی.ر.ک از سال ۲۰۰۳ میلادی در مناطق و ایالات اورمیه، موکریان، سنندج، کرمانشاه و گاهی نیز ایلام در چهار فصل حضور دارند. در سال‌های اخیر تجربه ثابت کرده که احداث عمدانه سد آبی و پایگاه نظامی به‌مثابه دو راهبرد دنبال شده از سوی سپاه پاسداران، نتوانسته از حضور گریلا در ایالات کوهستانی استان‌ها، تردد آنها به روستاها و دسترسی به شهرها و نیز جابجایی مکانی آنها ممانعت بعمل آورد. خلاقیت‌های گریلابی مدرن، گذار از این موانع را به آسانی امکانپذیر ساخته. بنابراین در این زمینه با خنثی‌سازی آمال نظامی

سپاه، دغدغه‌ای جدی وجود ندارد. اگرچه بر روی تپه‌ها و قلعه‌های رفیع و استراتژیک زاگرس هزاران پایگاه جهت میلیتاریزه کردن سراسر کوردستان، ایجاد شده‌اند، اما صعوبت خود کوهستان‌ها و قلعه‌ها نقش خنثی‌ساز در مواجهه با سدهای واقع در قعر دره‌ها و پهنه دشت‌ها را بازی می‌کنند.

دوم اینکه، اهداف نظامی و امنیتی سدسازی قطعاً محدود به مدت‌زمانی نسبتاً کوتاه و جبری است. هر سد عمری مشخص دارد و نمی‌تواند بصورت درازمدت نقش بازدارندگی نظامی خود را ادامه دهد. فرسودگی سازه‌های سدها، عدم لایروبی و یا خشکیدن دریاچه‌ها و تبعات بحران‌زای زیست‌محیطی تکمیل‌کننده روند نابودی سدها هستند. بنابراین، زمان، سدها را از حالت و نقش مانع نظامی علیه نیروی گریلا، اکولوژی و جامعه خارج خواهد ساخت. دیالکتیک «اوج، بحران و سقوط» بنا به بحران‌های پیامد در حوزه‌های اجتماع و اکولوژی، عمر سدها را معین می‌کند. اینها سوای تحولات نظامی و سیاسی بر اثر انقلابات می‌باشند. فلذا مادام‌العمر بودن سدها امری منتفی است. دلخوش کردن به این سازه‌ها بعنوان حربه نظامی، کاری بس عبث جلوه می‌کند.

این موضوع که سدها مزاحمت‌هایی برای نیروی گریلا و جابجایی مکانی آنها ایجاد می‌کنند در حدی محدود، صحت دارد ولی نه در آن حد که برای سپاه پاسداران اهمیت استراتژیک بیابد. مهم این است که رژیم‌های ایران و ترکیه از وجود سدها به‌مثابه حربه‌های تکمیل‌کننده در فرایند جنگ، سرکوب و نسل‌کشی حتی اگر نقش صرف بازدارنده ایفا نمایند، استفاده می‌کنند. از هم‌اکنون نقش محدودیت بردار سدها برای خود آنها محرز شده. پس نتیجه می‌گیریم که اگر از حدود جوانب و ابعاد نظامی سدسازی فراتر برویم، وارد عرصه مضاف سیاسی با ابعاد نسل‌کشی خود ملت مورد هجوم همچو ملت کورد، می‌شویم. در این عرصه، سد نقش یک جزء مکمل دارد و مؤلفه‌های نظامی نسل‌کشی را به مجموع مؤلفه‌های دیگر سپاه یعنی نابودی جمعیت‌ها، روستاها و تغییر دموگرافی علاوه می‌نماید. پویایی و قوام این رهیافت سپاه و رژیم برای تزاید روند نسل‌کشی فیزیکی و فرهنگی، اهمیت بسزایی برای نظام دارد. قرارگاه‌های اداره اطلاعات و نیروی انتظامی در سطح شهرها، پایگاه‌های پر شمار سپاه در جنب روستاها و بر فراز تپه‌های استراتژیک بصورت ممتد به وجود طبیعی سدهای مانع‌ساز، زنجیره‌ای از یک جبهه نظامی را علیه خلق و گریلا تشکیل می‌دهند. سدها می‌توانند روند مقابله را آسان و تسریع نمایند، اما رژیم‌های محافظه‌کار و فاشیست با این آماج شوونیستی هنوز استراتژی مشخصی برای علاج محدودیت‌های این افعال و تشبثات خبیثانه خویش ندارند. به‌عینه مشاهده می‌شود که نیروی گریلای مدرن هرگاه اراده می‌کند

به آسانی به مؤلفه‌های «کوه، روستا و شهر» دسترسی پیدا می‌کند. فلسفه موفقیت نیز در این معنا مستتر است که «بزرگترین تکنولوژی، انسان است». ترکیه و ایران در سال‌های اخیر خیال برشان داشت که با حصول فناوری فوق‌بیشرفته نظامی روز می‌توانند نیروی انقلابی گریلا را برای همیشه تصفیه و پاکسازی نمایند. ترکیه با احداث هزاران پایگاه نظامی و هزاران سد آبی، زیرساخت کافی برای این مرحله پاکسازی توهمی را آماده ساخت. ایران هم به اقدامات مشابه دست زد، اما سپاه در جنگ‌های روانس در سال ۲۰۰۹ و قندیل در ۲۰۱۱ و نیز ارتش فاشیست ترکیه در ۲۰۱۵ به دروازه‌های ناکامی کوبیده شدند. نیروی گریلا در دست‌وپنجه نرم‌کردن‌های مرگ و زندگی در سال‌های اخیر بالاخره به نوگرایی دست زد و با خروج از حالت کلاسیک جنگ گریلابی، ساختاری مدرن را بازیافت و به حد پویایی رسید. این درحالی است که دیگر نیروهای چریکی انقلابی و غیرانقلابی در سطح جهان به سبب ناکارآمدی در این زمینه، تصفیه و یا ساکت و سرکوب گردانده شدند. حربه سدسازی در میان انبوه این پیشرفت‌های تاکتیکی و فناوری خودبه‌خود صرفاً به یک جزء ناکارآمد مبدل گشت. چه از حیث تحرکات مکانی در مناطق داخلی اورمی، سنندج، کرمانشاه و ایلام و چه از منظر آمدوشدها در نوار مرزی، سپاه پاسداران ایران و ارتش ترکیه نتوانسته‌اند به نتیجه مطلوب و دلخواه دست‌یابند و سدها قطعاً نتوانستند نقش بازدارندگی بزرگ را ایفا نمایند. بنابراین این داعیه مسئولین سپاه مبنی بر اینکه سدها برای کنترل مناطق مرزی احداث شده‌اند، بیشتر جنبه روانی تبلیغاتی دارند.

ب- تغییر دموگرافیک، پاکسازی، نسل‌کشی

اهداف سیاسی در سدسازی بصورت بنیادین تغییر دموگرافیک و نسل‌کشی گام‌به‌گام و تدریجی را مدنظر دارد. اینکه ایران و ترکیه به تقلید از یکدیگر راهکاری ژئوپلیتیک را در تحقق نسل‌کشی علیه ملت کورد بکار می‌گیرند، حساب‌شده و سیستماتیک است. مقوله مطمح‌نظر نظام ولایی ایران، تغییر در دموگرافی مناطقی است که سد در آنها می‌تواند خیلی قابل توجه از نفوس یک ملت تحت فشار منگنه اقلیت‌بودن را نابود سازد. این ترفند ظالمانه با بلهوسی تمام به حد جنون رسیده. سپاه با تعجیل در روند سدسازی‌های پرشمار سر از پا نمی‌شناسد. هر سد می‌تواند حدود ۳۰ الی ۵۰ روستا را تخلیه و نابود کند. به این ترتیب زمین‌های حوضه آبرگیر سد به تملک نظام و دولت درمی‌آید، با تخلیه روستاها، فرایند اشغال تدریجی تکمیل و موجی گسترده از روستائیان و زارعان بی‌کار به‌مثابه نیروی کار ارزان در حاشیه شهرها و متروپل‌های ایران همچو تهران مهاجرت کرده و استثمار می‌گردند. یکی

از حلقه‌های پازل نسل‌کشی اینجا تکمیل گشته که هر سد جمعیت‌های چندده‌هزار نفری را از بدنه یک ملت منسجم و متحد (کورد) جدا می‌نماید و به جغرافیایی بیگانه و منفک از شرق کوردستان تبعید اجباری می‌کند. این تغییرات در دموگرافی خلق کورد در مناطق شرق کوردستان، همان نقشه‌های نظام ایران برای نسل‌کشی متداوم با توسل به سیاست‌های مزورانه است و هر سد یک جزیره امنیتی محسوب می‌گردد. تخلیه روستاها، خارج‌ساختن جمعیت آنها از سرزمین مادریشان و گسیل به کلان‌شهرها، کنترل امنیتی برای رژیم را نیز آسانتر می‌سازد. زیرا آنها دیگر ساکنین حلی‌آبادها محسوب می‌گردند. هزینه‌ها در زمینه‌های کالا و خدمات برای روستاها هم از دوش دولت برداشته می‌شود.

گذشته از اینها، این تغییرات دموگرافیک، سیر نابودی فرهنگی را هم در بردارد. روستا سلول بنیادین مناطق زاگرس - توروس و بین‌النهرین تاریخی است که هنوز هم نقش حیاتی در حفظ و بقای موجودیت ملت کورد، این قدیمی‌ترین فرهنگ جهان را بازی می‌نماید. کوردیت این ملت با تکیه بر روح روستا، در سطح جهانی می‌درخشد. انقلاب روستا، زراعت و زبان سه انقلاب بنیادین بشریت هستند که در ۱۵ الی ۲۰ هزار سال پیش در بین‌النهرین علیا و زاگرس رخ دادند. یک عملیات شنیع سپاه پاسداران ایران و دولت ترکیه در زمینه سدسازی، همانا نابودی این سه انقلاب بنیادی که هویت فرهنگ کهن کوردی و لذا بشری را شکل داده‌اند، رقم می‌زند. این جنایت آشکار علیه بشریت است. سعی می‌شود خوانش جنبش آزادیخواهی کورد از این مقوله، علمی و فرهنگی و متفاوت با تحلیلات و تفسیرپردازی‌های مشوش سایرین باشد. نابودی روستاها، بخشی از نسل‌کشی فرهنگی و فیزیکی علیه ملت کورد است و این روند مشمول دیگر ملل منطقه می‌باشد و به همان اندازه موجودیت آنها را تهدید می‌نماید. تلاش سپاه برای ایجاد اختلال مرگبار و سخته‌آور در فرایندهای طبیعی و ذاتی «تغذیه، امنیت، تولیدمثل و بقا» به طرز هولناک و جنون‌آمیزی افراطی گشته.

دولت ایران گذشته از انباشت بیشینه سود از ناحیه عملیات‌های سدسازی، سیاست آسمیلاسیون و نسل‌کشی را در درجات متفاوت عملی می‌گرداند. نظام آن، نظام قدرت و زور است که بر روی حیات اقتصادی جامعه حکمرانی می‌کند. نظام ولایی ایران، مفاهیم نظریه‌ها و نهادهایی برای حوزه اقتصاد و غارت و نابودی ایجاد نموده که یکی از راهکارهای آنها تغییر دموگرافیک مناطق ملل که خود آنها را «اقلیت» عنوان می‌کنند، می‌باشد. نوعی تروریسم اقتصادی را دامن می‌زنند. سدسازی باهدف تغییر در دموگرافی، یکی از راهبردهای جنگ ویژه در کوردستان است. می‌کوشند سرزمین مادری هزاران ساله کوردستان را از حالت یکپارچه «میهنی» خارج سازند. تغییر در دموگرافی مناطق بومی و ذوب‌نمودن جمعیت آواره

آن در درون پدیده «تک‌وطن» دولت-ملت حاکم، راهبرد سیاسی - نظامی رژیم می‌باشد. این رویه، تکمیل پروسه خودباختگی فرهنگی است که بر ملت کورد تحمیل می‌گردد. در مقوله سدسازی، سه‌عنصر اصلی مدرنیته سرمایه‌داری ایرانی یعنی «بیشینه سود، دولت-ملت و صنعت‌گرایی» همانا فتح، اشغال، استیلا، غارت، استعمارگری و آسمیلاسیون را دامن می‌زنند و هرکدام ضربات جبران‌ناپذیر بر پیکر فیزیکی و فرهنگی ملت‌دموکراتیک کورد وارد می‌آورند. سدسازی، اشغال اقتصادی است که خطرناک‌ترین اشغال می‌باشد. جامعه را به انحطاط می‌کشاند و به زانو درمی‌آورد. جامعه کوردی که متکی بر زراعت و روستا است، ابزارهای تولیدی‌اش تصاحب می‌گردد و فراتر از آن، از سرزمین‌شان رانده می‌شوند. پروژه سدسازی، پروژه اسارت اقتصادی علیه خلق است که وی را از آزادی محروم می‌سازد. این پروژه‌های دولتی بصورت یک‌طرفه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شده و تحمیل می‌گردند. کاراکتر سرمایه‌داری دولتی ایران که وجه‌تمایز با سرمایه‌داری خصوصی جهان عرب است، با عملیات‌های مختلف که سدسازی یکی از آنهاست، حق مسلم و طبیعی خودگردانی اقتصادی و میهنی را از خلق کورد سلب می‌نماید. واکنش خلق در برابر این دولت هم مطالبه خودمدیریتی در قالب «صنعت اکولوژیک و اقتصاد کمونی» است. مجموعه سدها به دلیل فروپاشی فرم یک ملت یکپارچه، فرم‌های اکولوژیک و دموکراتیک جامعه آن ملت را نابود کرده‌اند، خودمدیریتی کوردها هم تلاش برای حفظ آن دو حالت و یا بازتولید هر دو می‌باشد. سدسازی نافی محیط‌زیست و مغایر با جامعه دموکراتیک در قاموس کنفدرالیسم دموکراتیک و ملت دموکراتیک جنبش آپویی محلی از اعراب ندارد. عملیاتی که با احداث سد، ملت‌مان، اکولوژی میهن و تاریخ فرهنگی خلقمان را نابودسازد، مستلزم نبرد انقلابی است. ایجاد تغییر در دموگرافی «خلق، خاک و جنگل» از نظر یک ملت مبارز، یک جنایت بزرگ و نابخشودنی می‌باشد که مستلزم رهاورد پارادایم عظیم مبارزه است و جنبش آزادیخواهی کورد در حوزه حفظ جامعه و اکوسیستم خلق، خاک و جنگل به چنین رهاوردی همت گمارده. حیات هیچ خلقی بدون خاک و جنگل قابل تداوم نیست. اقداماتی از قبیل سدسازی سیاسی با هدف نسل‌کشی، طبیعت انسان و محیط‌زیست را به نزاع مداوم واداشته‌اند، ولی پارادایم پژاک آن دو را آشتی می‌دهد. سپاه پاسداران با سدسازی هدفمندانه و سیاسی - نظامی، ابزارهای خوددفاعی را از خلق‌ها برگرفته پس هدف پارادایم دموکراتیک بازگرداندن آن ابزارها با اتکای بر تخریب سدها و اسکان مجدد آوارگان در روستاهایشان می‌باشد. سدها اقتصاد بومی را در مواجهه با اقتصاد ملی تضعیف نموده‌اند و رژیم این را تحت نام و بهانه وحدت حقوقی به انجام می‌رساند.

رژیم ایران با دمیدن مکرر در بوق و کرنای تبلیغاتی، ادعا می‌کند که با سدسازی سرسبزی را به ارمغان آورده و نرخ رشد اقتصادی در زراعت، صنعت و شهرنشینی را به حد رفاه می‌رساند. این درحالی است که در زمان ساخت سد، دهها روستا نابود و جمعیتی قابل توجه، خاک و سرزمین‌شان را از دست می‌دهند، اما تبعات آن به همین زیان‌ها ختم نمی‌گردد، زیرا سد به مرور زمان به قسمت‌های بالادست و پائین‌دست رودخانه آسیب جدی می‌رساند و با ترویج خشکی، حتی در مناطق دوردست به دلیل قطع آب رودخانه، خشکی در مصب افزایش می‌یابد و پدیده بیابانی‌شدن، جمعیت بسیاری از مناطق را بشدت تهدید می‌کند. در مناطق تحت آبیاری یک سد هم بسیاری سدها، شوری خاک را به دنبال می‌آورند و فاجعه زیست‌محیطی را تکمیل می‌نمایند. در این مناطق دیگر تغییر دموگرافی در همه ابعاد رخ می‌دهد. اگر اکوسیستمی همچو دریاچه اورمیه خشک شود (بر اثر سدسازی بی‌رویه بوده)، بیابان‌های نمکی وسیع با طوفان‌های نمکی تمامی مناطق مجاور حتی تهران را تهدید خواهد کرد و نظم حیات انسانی در شهر و روستا از حیث زراعت و صنعت هم مختل خواهد شد. بنابراین، بیابان شوره‌زار و طوفان‌های حاوی ذرات نمک هم می‌توانند به‌مثابه تبعات فاجعه‌بار سدسازی، به تغییر وحشتناک دموگرافی مناطق بیانجامند. همچنین با خشک‌شدن رودخانه‌ها و آسیب‌دیدن جدی سفره‌های آب زیرزمینی، تالاب‌ها و مرداب‌ها نیز خشک و بی‌آب می‌گردند و طوفان‌های ریزگردها، موجب مهاجرت اجباری جمعیت‌های میلیونی خواهند شد. تالاب‌ها و دریاچه‌هایی چون گاوخونی، بختگان، هامون، پریشان و اورمیه بخاطر پیامد مستقیم سدسازی با خطر خشکی کامل روبرو هستند. تغییر در دموگرافی گذشته از نابودی جمعیت روستایی و اکوسیستم، با نابودی اشتغال و درآمد، مهاجران از روستا به شهر را به استثمار دولت و دهک‌های بالایی جامعه درمی‌آورد. این نابودی‌ها و استثمار جمعیتی درواقع با شعار «توسعه‌یافتگی» نظام ایران در تضاد آشکار است. مجری اصلی پروژه‌های نظام در راستای نسل‌کشی اقتصادی، فرهنگی و دموگرافیک، «سازمان حفاظت محیط‌زیست» در ایران است.

سدها با تولید «انرژی هیدروالکتریک (تولید برق با انرژی آب)» چرخه تغییرات دموگرافیک را در کنار دیگر عوامل اکولوژیکی یعنی «انرژی فسیلی و انرژی هسته‌ای» شکل می‌دهند. انحصارات دولت-ملت حاکم بر منابع طبیعی و سرزمین از طریق انحصار در اقتصاد و نیز انحصار مالکیت زمین، کامل می‌گردد. یک سد تا چهار درجه، هوای مناطق پیرامون خود را گرم‌تر می‌سازد و این تغییرات درجه حرارت همانطور که بر روی موجودات زنده رودخانه و سد اثر می‌گذارد، برای تغییر دموگرافی جمعیت انسانی هم مخرب می‌باشد و چرخه زندگی

حیوانات و انسان را برهم می‌زند. هکذا اثرات فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی و بهداشتی در کنار اثرات اجتماعی و اقتصادی به مجری پروژه سدسازی یعنی سپاه و نظام ایران کمک شایان می‌کنند تا در اجرای سیاست تغییر در دموگرافی یک منطقه متعلق به ملیت‌های تحت ستم، سریع‌تر و سهل‌تر عمل نمایند. فراتر از آن، تخریبات سد موجب کاهش سطح آب زیرزمینی و مشکل مفرط اکوسیستم می‌گردد که عواقب آن، مهاجرت روستاهای اطراف می‌باشد. هر سد با ایجاد مه و بالابردن نم نسبی در محوطه خود، بر تغییرات دموگرافیک فشار وارد می‌کند. زمانی که سطح آب زیرزمینی به زمین نزدیک می‌شود، نمک موجود در خاک به علت پدیده «مویبگی»^۱ به سطح می‌آید و با غیرمولدشدن زمین، مردمان آنجا طبیعتاً بر اثر بیکاری و نابودی اشتغال و درآمد ناچار به مهاجرت می‌گردند. سد حتی می‌تواند از غلظت مواد غذایی مورد نیاز برای مناطق پائین دست بشدت بکاهد و اثرات مضر برای جامعه انسانی، نباتی و حیوانی برجای گذارد. یک اکوسیستم فاقد عناصر غذایی حیاتی، قابل زیست نخواهد بود. چرخه متابولیسم اجتماعی و متامورفیسم (دگردیسی) حیوانی و گیاهی هر دو گرفتار یک سرنوشت شوم می‌گردند. ارگانیسیم‌هایی که برای بقای هستی‌ها و موجودات نیاز هستند با نابودی خود، ارگانیسیم اجتماعی روستاها را هم به قعر فنا فرومی‌برند. حتی وقتی که تغییرات در دموگرافی منطقه حومه سد رخ می‌دهد و ساکنان مهاجرت می‌کنند، در زمان‌های پس از آن هم آثار سوء آب سد، حیات‌ها را تهدید می‌نماید. برای مثال، احداث سد، پدیده خوراک‌وری یا موتریفیکاسیون را ایجاد می‌کند که بر اثر آن، با غنی‌شدن آب مخزن سد، معمولاً با ورود عناصر غذایی زیاد از قبیل فسفر و نیتروژن ایجاد می‌شود و به حدی کیفیت آب را ضایع می‌کنند که آب دارای رنگ کدر، بوی نامطبوع و فاقد اکسیژن می‌شود و بطور مستقیم برای آشامیدن و سایر مصارف از جانب انسان و حیوانات، خطرناک است. همین تبعات، بازهم بر اکوسیستم و تغییر در دموگرافی در آینده همچنان اثرات متداوم می‌یابد. اگر از منظر جاری بودن روان‌آبها و فواید اکولوژیک آنها مسئله را بررسی نمائیم، عیان می‌گردد که جاری بودن رودخانه‌ها بصورت طبیعی و تنظیمی مناطق مختلف در مسیر خود را سیرآب و سفرهای زیرزمینی را بصورت یکسان تقویت می‌نماید. جنگل‌ها و مراتع در این مسیر نیز سرسبز باقی می‌مانند. رهبر آپو بر این جنبه «رود زنده» تأکید مبرم می‌کند. حال اگر این سیر با سدسازی متوقف گردد و مثلاً طول یک رودخانه هزار کیلومتر باشد، تمامی جمعیت حاشیه آن رودخانه تحت تاثیر خشکی رود، نابودی جنگل‌ها و مراتع و

۱. مویبگی یکی از پدیده‌های فیزیکی ناشی از نیروهای چسبندگی سطحی است. اثر مویبگی روند یا جریان است که باعث می‌شود مایع از درون خاک و از طریق ریشه و ساقه‌های گیاهان بالا آید و به شاخه‌ها و برگ‌ها برسد. نفوذ و عبور آب از دستمال کاغذی نیز ناشی از همین جریان است.

مرگ حیات وحش آبی و نیز کاهش سفره‌های زیرزمینی، با بحران‌های شبکه‌ای و چرخه‌ای روبرو خواهند شد. تقریباً کلیه سدهای جهان به دلیل راکدشدن آب و توقف حرکت عناصر غذایی، بیماری‌زا هستند. می‌توانند منبع بسیاری از بیماری‌های واگیر نظیر مالاریا، تب‌زرد، هیپاتیت، امراض روده‌ای و بیماری‌های خونی گردند و حیات سالم مناطق بومی را نیست کنند، درحالی که رودخانه‌های جاری در حالت عادی، خاصیت خودپالایی دارند و با گرفتن اکسیژن بیشتر، از بار آلودگی می‌کاهند. تنها راه حفظ اکوسیستم، جریان طبیعی رودخانه‌ها بعنوان بهترین حالت است. تمامی اینها می‌توانند از عوامل اکولوژیکی مهاجرت انسانی به شمار آیند که مسلماً نظام مافیایی سپاه پاسداران در برنامه‌های نظامی - امنیتی خود با هدف ایجاد تغییر در دموگرافی و تداوم نسل‌کشی، همه را لحاظ می‌نماید. حتی بی‌رحمانه‌تر از آن، هر مردم بومی وقتی آثار تاریخی و فرهنگی‌اش تخریب و نیست گردد، دچار بی‌هویتی مضاف می‌گردد و در بقای موجودیت با کائوس‌های عدیده روبرو می‌شود. این یکی از تخریبات سیستماتیک از سوی سپاه پاسداران و نظام ولایی ایران است. بسیاری سدها در کوردستان عامدانه در محوطه آثار باستانی احداث شده و هویت فرهنگی کوردی را زیر آب برده‌اند. فلذا ساکنان آن مناطق حتی اگر مهاجرت نکرده باشند، بصورت توده‌ها و اجتماعات فاقد تاریخ، فرهنگ و هویت در آورده می‌شوند. پارامترهای محیطی، بحران‌های زیست‌محیطی و آن نیز بحران هویتی را موجب می‌گردند. این برنامه‌های سیستماتیک نسل‌کشی چنان حساب‌شده که نسل‌های آینده را نیز تهدید نماید. رژیم ایران وقتی توازن و امکان توسعه پایدار را عملاً و در فصل مشترک مؤلفه‌های سه‌گانه اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی برهم می‌زند، حیات یک جمعیت تحت ستم را به خطر می‌اندازد و شرایط ایجاد تغییرات دموگرافیک را فراهم می‌سازد.

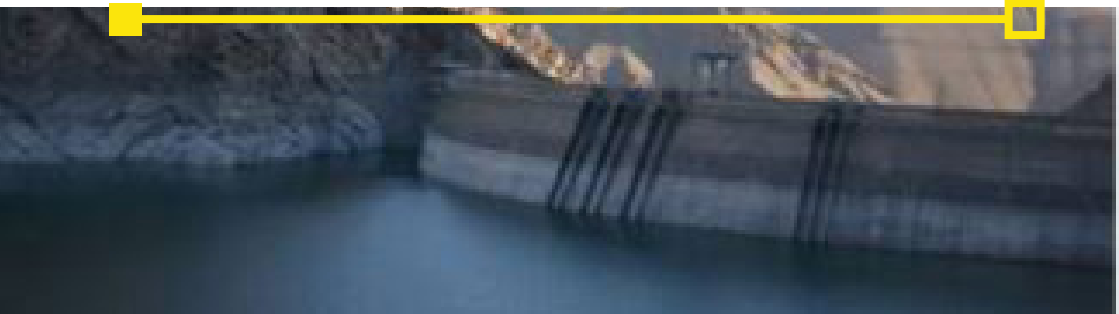
ج - سیاست برون‌مرزی و حربه فشار

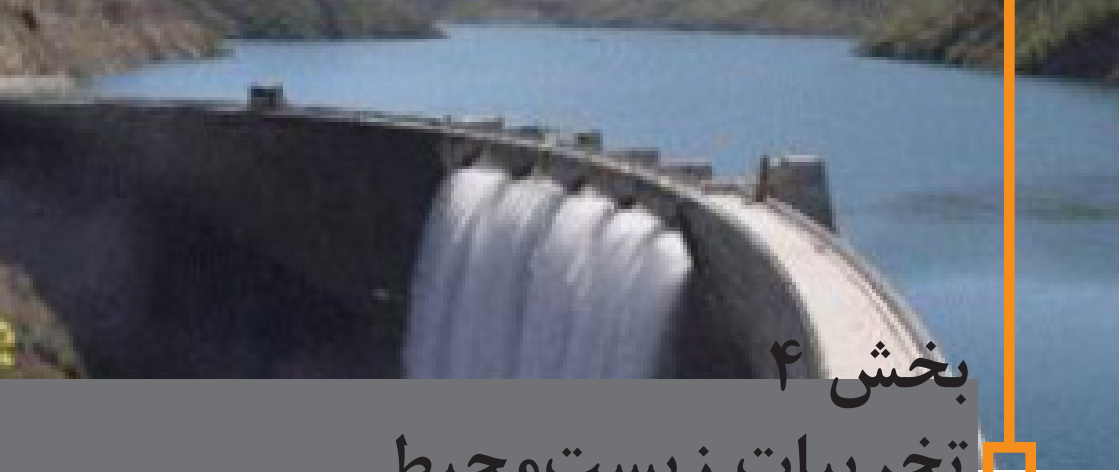
امروزه، کشورهای جهان بویژه خاورمیانه می‌کوشند از روان‌آبها و فرایند سدسازی به‌مثابه حربه فشار سیاسی - نظامی استفاده نمایند. ایران و ترکیه نیز با اشغال کوردستان، تملک بر مناطق کوهستانی زاگرس - توروس را در چنگ گرفته و کشورهای عربی همجوار را در راستای منافع سیاسی و امتیازگیری، تحت فشار قرار می‌دهند. در واقع از وجود رودخانه‌ها با راهکار سدسازی، همچو حربه سیاسی و گاه نظامی و جنگی استفاده می‌نمایند. ترکیه با احداث سدها سد بر مسیر رودخانه‌هایی که به کشورهای جنوبی سوریه و عراق سرازیر می‌شوند، درصددند ملل کورد و عرب را با توسل به سیاست بیوقدرت به زانو درآورند. در

کشاکش‌های منطقه‌ای سیاست‌های دواستانداری ایران - ترکیه در خصوص حقایق رودهای بزرگ فرات، دجله، زاب بزرگ، زاب کوچک، سیروان و الوند، تنش‌های منطقه‌ای را به حد کائوتیک رسانده.

ترکیه آشکارا با پیشبرد پروژه مشهور گاپ در ایالت اورفا واقع در شمال کوردستان، در پشت پرده، اسرائیل را هم دخالت داده و برنامه‌های مزورانه و پلشت سیاسی - نظامی خود را تحت بهانه رشد و توسعه پایدار اقتصادی، عملی می‌سازد. این پروژه که غایت آن نسل‌کشی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علیه کردها و تسلیم‌پذیر ساختن اعراب است، چندین دهه عمر دارد و به چنان مراحل خطرناکی رسیده که در جریان اشغال روزآوای کوردستان و شمال سوریه با قطع آب فرات، حیات مردمان مناطق کوبانی تا رقه و مناطق مرکزی سوریه را تهدید نظامی کرد. پروژه گاپ با سدسازی‌های بزرگ، متعدد و بی‌رویه جهت بیرون راندن کردها از سرزمین‌شان، غصب اراضی کشاورزی و اشغال کامل صورت می‌گیرد. هم بعد نظامی دارد هم سیاسی. بنا به قوانین بین‌المللی، حقایق‌های کورد - عرب از این رودخانه‌های بزرگ در کمال سکوت مجامع جهانی و حتی با پشتیبانی هژمونی سرمایه‌داری، تزییع می‌گردد. با احداث سد، دشت حران در اورفا را زیر گشت برده و صنایع انحصارگرانه غصب و اشغال کوردستان را هوسمندانه فراتر از حد اشباع افزایش می‌دهند. تنش میان ترکیه و دول سوریه و عراق و نیز حکومت اقلیم جنوب کوردستان درمی‌گیرد، ترکیه به حربه قطع حقایق رودهای بزرگ دجله - فرات اقدام می‌نماید. با قطع حقایق، مردمان مناطق پائین دست مرزهای جنوبی ترکیه با مخاطره زنجیره‌ای فقدان آب آشامیدنی، زراعی و صنعتی روبرو می‌گردند. ترکیه می‌کوشد آن مناطق را با گرفتن حقایق، لم‌یزرع سازد تا کوچ‌های اجباری و تغییر دموگرافی تحقق یابد. حتی قوانین سازمان ملل به سبب منافع سیاسی دخالت‌گرانه هژمونی آمریکا - اروپا ناکارآمد گردانده شده. رودخانه فرات از شهر کوبانی گرفته تا نزدیک مرزهای اردن، مناطق وسیعی را سیراب و زراعت و اشتغال را شکوفا می‌سازد. رود دجله هم از شهر زاخو در اقلیم جنوب کوردستان تا موصل، بغداد و مناطق جنوبی‌تر منتهی به خلیج فارس را سرسبز می‌گرداند. این خط ممتد استراتژیک، اهمیت ژئوپلیتیک هر دو روان آب بزرگ را خاطر نشان می‌سازد. ترکیه گاپ را یک سلاح جدید تلقی می‌نماید و برای کشورهای همسایه، بویژه ایران تبدیل به تهدید گشته. ترکیه حتی با بی‌توجهی عامدانه نسبت به کنوانسیون‌های بین‌المللی در افغانستان اقداماتی علیه ایران انجام می‌دهد و زمامداران تهران بر آن واقف هستند. طی پروژه گاپ با ساخت ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه آبی بر روی رودخانه‌های دجله و فرات، بحران ریزگردهای داخلی و خارجی را وحشتناک‌تر کرده و مسبب نابودی مراتع و کشاورزی و

خشک‌شدن هورالعظیم، هورالحمار و هورالمرکزی در ایران و عراق بخاطر عدم توجه دولت فاشیست ترکیه به دیپلماسی آب شده. پس پروژه ظالمانه و هیدروپلیتیک، حوضه دجله و فرات را پرتنش ساخته و مستقیماً عامل بنیادی ایجاد بحران ریزگردها در حوزستان است. ایران نیز که در منطقه خاورمیانه پس از ترکیه دومین کشور سدساز است، از همین راهبرد مشابه سود می‌برد. بویژه در یک دهه اخیر، این کشور با احداث ۶ سد بزرگ و کوچک در مسیر رودخانه زاب که از مرز سردشت به خاک اقلیم جنوب کوردستان سرازیر می‌شود، حقایق را با نقض قوانین صریح بین‌المللی تزییع نموده. همچنین پروژه‌هایی مشابه را بر روی رودخانه‌های سیروان و الوند در مناطق مرزی جنوبی‌تر اجرایی ساخته. خاصه با قطع آب الوند رود، عملاً مناطق استان خانقین در جنوب کوردستان را به بیابان مبدل می‌نماید. سد دوکان واقع در حدفاصل شهرهای رانیه - سلیمانیه، شهرها و روستاهای زیادی را سیراب می‌سازند. سد دربندیخان در مرز با کرمانشاه هم نقشی مشابه دارد. ایران اما با پروژه‌های کذایی نابایسته، صرفاً با اعمال فشار سیاسی بی‌قدرت‌گرایانه، هم امتیازخواهی سیاسی - اقتصادی می‌کند هم مقاصدی نظامی - امنیتی را دنبال می‌نماید. این سیاست‌ها و فشارهای اربعایی برون‌مرزی، به نسبت افزایش تنش‌های برخاسته از جنگ جهانی سوم، تشدید می‌گردد و بحران آب گامی را فراتر از بحران نفت برمی‌دارد. با افزایش اهمیت ژئواستراتژیک آب و روان‌آب، اختلافات بین‌المللی تشدید می‌گردد و آن نیز تنش‌های اجتماعی را دامن می‌زند. حقایق تحت فشار ساختار خشن و لیبرالیستی دولت - ملت‌ها قرارداد می‌شوند. ایران و ترکیه که هر دو هم درصدد کسب پایگاه نخست هژمونی منطقه‌ای هستند هم اشغالگر کوردستان، موقعیت جغرافیایی روان‌آبها و سدسازی را برای رسیدن به آن آمال شنیع‌شان مورد بهره‌برداری سیاسی - نظامی قرار می‌دهند. بنابراین می‌توانند بر تغییرات در دموگرافی کشورهای همجوار هم موثر واقع شوند. از منظر زیست‌محیطی نیز با خشکیدن بستر رودخانه‌ها و افزودن بر وسعت بیابان‌ها، عامل سیاسی طوفان‌های مرگبار ریزگردها می‌شوند که همچو جنگی طبیعی علیه مردمان منطقه تراویده.





بخش ۴

تخریبات زیست محیطی

سدها و دحایر آبی باعث بروز مشکلاتی نیز می گردند. در نواحی خشک و نیمه خشک، آب به آسانی از مخازن و کانال‌هایی که آب را جابجا می کنند تبخیر می گردد. این امر سبب ازدست رفتن آب و افزایش غلظت نمک‌های موجود در آن می شود. سدها مانع سیلاب می شوند. سیلابها مهم می باشند زیرا خاک دشت سیلابی را از عناصر غذایی که برای اکوسیستمها ضروری و مهم هستند، غنی می نماید. سدها، جریان آب، درجه حرارت و شفافیت یک رود را تغییر می دهند. آب را نیز از حالت جاری به راکد تبدیل می کنند. تغییرات درجه حرارت ممکن است بر روی موجودات زنده رودخانه اثر بگذارد. زیرا چرخه زندگی بسیاری از بی مهرگان وابسته به درجه حرارت محل زیست آنها می باشد.

نتایج اکولوژیکی سدها به محل قرارگیری آنها وابسته خواهد بود. تاثیرات زیست محیطی سدها را می توان بر اساس معیارهای متفاوت کوتاه مدت و طولانی مدت، منطقه احداث سد، تاثیرات اجتماعی و غیراجتماعی مفید و مضر، طبقه بندی کرد. اگرچه دسته بندی های دیگری نیز وجود دارند. به طور کلی بر اساس دستورالعمل کمیته بین المللی سدهای بزرگ، مطالعات زیست محیطی سدها باید در قالب بخش هایی که شامل اثرات فیزیکی، شیمیایی، اثرات بیولوژیکی، اثرات بهداشتی، اثرات اجتماعی و اقتصادی انجام گیرد. ساخت سد به منظور مانعی در برابر حرکت اجسام غوطه ور در مسیر رودخانه ها مانند سنگ ها، درختان، قایق ها و... با رسوب گذاری، موادی که در مخزن و دریاچه سد رسوب می کنند و باعث کاهش رسوبات می شود، این امر موجب می شود که تشدید فرسایش در مسیر رودخانه پایین دست رخ دهد. اثر رسوب در مخزن در مسدود کردن تخلیه کننده ها و دریچه ها. اثر خروج آب گل آلود شامل مواد رسوبی به مناطق پایین دست سد و محیط زیست محل. وقوع سیلاب های

زیاد ناشی از رهاکردن آب سرریزها و تخلیه‌کننده‌ها باعث تغییرات در پایین‌دست سدها می‌شود. تاثیر بر تغییرات سطح آب زیرزمینی. به علت واکنش بین سطح آب دریاچه و مرطوب‌شدن محیط و لایه‌بندی مختلف در کنار مخزن، زمین‌لغزه روی می‌دهد که دو اثر دارد که شامل کاهش حجم دریاچه و ایجاد امواج بلند و تخریب سد می‌شود. دریاچه‌های بزرگ با درست‌کردن مه و بالابردن نم نسبی در محوطه دریاچه موجب تغییرات آب و هوایی می‌شوند. سیستم آبی در نتیجه تخریب طبیعت دچار تغییر می‌شوند و طغیان‌هایی روی می‌دهد که پوشش گیاهی و ساختار طبیعت را دچار صدمه می‌کند. تبخیر سطحی به دلیل افزایش سطح آب بیشتر می‌شود.

به دلیل تغییر در درصد رطوبت هوا، دمای هوا، جابجایی هوا در مقیاس بزرگ برخی تغییرات جوی روی خواهد داد. شور شدن زمین‌های کشاورزی به دلیل بالا رفتن سطح آب زیرزمینی و زهدار شدن زمین‌های ناشی از آبیاری سطحی می‌باشد، زمانی که سطح آب زیرزمینی به زمین نزدیک می‌شود نمک موجود در خاک به علت پدیده مویبگی به سطح می‌آید. حتی زمانی که استفاده از آب زیرزمینی تحت کنترل است، به دلیل نامناسب بودن کیفیت آب زیرزمینی ممکن است شوری ثانویه رخ دهد، شور شدن اراضی باعث می‌شود که عملکرد محصولاتی که به شوری حساس هستند کم شده و در نتیجه زمین غیرمولد می‌شود. غلظت مواد غذایی در پائین دست سد کم شده و اثرات مضر برای جامعه نباتی و حیوانی آن ناحیه دارد. ذخیره آب در مخازن کم عمق در رشد و نمو پلانکتون‌ها^۱ تاثیرگذار است. در محدوده مخزن و بالادست دریاچه‌های سد بر جوامع حیوانی و نباتی تاثیرگذار هستند که از آن جمله می‌توان مهاجرت حیوانات و رشد و نمو گیاهان و ... را نام برد. به دنبال احداث سدها و باقی ماندن رسوبات در مخازن آن برای تغذیه سواحل و کانال‌های پایین‌دست از این رسوبات مانع ایجاد شده و ممکن است فرسایش رخ دهد و در نتیجه رسوبات حمل نشده و مناطق تخم‌گذاری ماهی‌هایی که در رودخانه زندگی می‌کنند محدود می‌شود. به علت سیل‌هایی که به بستر تخم‌گذاری صدمه می‌زنند زادوولد ماهی‌های مهاجر متوقف شده و همین‌طور هنگام خاکبرداری امکان تخریب تخم‌ها در بسترهای شنی وجود دارد. گونه‌های جدید به دلیل تغییر در دمای آب و توزیع نمک و اکسیژن تولید می‌شوند. سد همچنین یک

۱. پلانکتون‌ها یا دروایان هر توده‌ای از جانداران (جانوران، گیاهان، آغازیان یا باکتری) که در لجه (قسمت بالای) دریاها و اقیانوس‌ها یا آب‌شیرین و سدها زندگی کنند گفته می‌شود. بنابراین پلانکتون‌ها دسته‌ای از جانداران هستند که بر اساس ویژگی زیست بومی‌شان طبقه‌بندی شده‌اند نه ویژگی فیلوژنتیکی یا تاکسونومی‌شان. فیتوپلانکتون‌ها دسته‌ای از پلانکتون‌ها هستند که قادر به خودپروردگی می‌باشند. موجوداتی ریز و بسیار حیاتی برای زندگی مرجان‌ها و ماهیان هستند که لایه‌های آبی را در سطح اقیانوس‌ها، دریاها و سدها حفظ می‌کنند ولی برخی از آنها سمی شناخته می‌شوند مانند کشند سرخ، آنها را بدبو و بدشکل می‌سازند.

مانع می‌باشد که مسیرهای حیوانات را می‌بندد و مانع حرکت ماهی‌های بالادست شده و در نتیجه تخم‌گذاری و تغذیه آنها دچار مشکل شده و از جمعیت آنها کم می‌شود.

در نواحی خشک و نیمه خشک، آب به آسانی از مخازن و کانال‌هایی که آب را جابجا می‌کنند تبخیر می‌گردد. این امر سبب از دست رفتن آب و افزایش غلظت نمک‌های موجود در آب می‌شود. اگر آب فوق که لب‌شور است برای آبیاری استفاده گردد، نمک‌ها در خاک تجمع می‌یابد و باعث شوری (افزایش نمک خاک) زمین کشاورزی می‌گردد. آب موجود در مخازن در تمام اقلیم‌ها به دلیل نفوذپذیری سنگ بستر و تراوش از طریق خندق‌های آبیاری کاهش می‌یابد. رودخانه‌ها، رسوب را در مخازن ته‌نشین کرده و با گذشت زمان باعث پرشدن دریاچه می‌گردند. سدها مانع سیلاب می‌شوند اما سیلاب‌ها مهم می‌باشند زیرا خاک دشت سیلابی را از عناصر غذایی که برای اکوسیستم‌ها ضروری و مهم هستند، غنی می‌سازد. در سراسر تاریخچه زندگی، کشاورزان برای حاصلخیزی خاک و رشد محصولات، به سیلاب‌های بهاری منظم وابسته بوده‌اند. بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری با شرایط سیلاب‌ها سازگار شده‌اند، حتی برخی از آنها برای چرخه زندگی‌شان به سیل نیاز دارند. برای مثال، بعضی از درختان صنوبر نیازمندند. بسیاری از حشرات برای تخم‌گذاری، باز شدن تخم‌ها یا دگردیسی، منتظر سیلاب هستند. سیلاب‌ها همچنین گیاهان مرده را به سوی رودخانه‌ها حمل می‌کنند، که بدین طریق غذای موردنیاز برای ماهیان و موجودات زنده دیگر را فراهم می‌نمایند. سیلاب‌های بهاره برای تولید بعضی از گونه‌های ماهیان لازم است. مرغان آبی به تالاب‌های حاصل از سیلاب‌ها به عنوان زیستگاهی برای زندگی، وابسته‌اند.

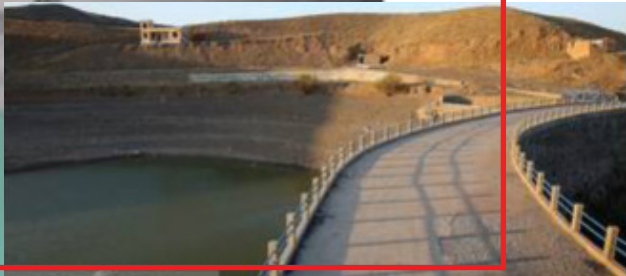
فعالان حفاظت از محیط‌زیست هشدار داده‌اند که ایجاد سد بر تعدادی از رودخانه‌های بزرگ جهان محیط طبیعی و حیات وحش در این آبها را به خطر انداخته است. گزارش سازمان جهانی حفظ حیات وحش در مورد شرایط طبیعی بیش از بیست شبکه رودخانه‌ای جهان تاکید دارد که آثار منفی سدسازی بر این رودخانه‌ها بر محیط‌زیست به مراتب از منافع ایجاد آنها از جمله تامین آب کشاورزی و تولید برق بیشتر است. به گفته این سازمان، یکی از آثار منفی ایجاد سد بر برخی رودخانه‌ها اسراف در استفاده از آب در کشاورزی و نابودی محیط طبیعی زیست گونه‌های گیاهی و جانوری است.

از اثرات دهشتناک سدسازی و خشک‌شدن بستر رودخانه‌ها، ته‌نشین شدن گل‌ولای بسیار ریز در آن بستر است. باد به آسانی این ذرات گل‌ولای را به آسمان می‌برد و طوفان ریزگردها را به راه می‌اندازد. یکی از ذرات ریز، کلئوئید یا چسب‌سان نام دارد. ذرات کلئوئیدی ذراتی هستند که تنها عامل به‌وجود آمدن آنها در طبیعت فقط آب می‌باشد، یعنی صدها

و یا هزاران سال طول کشیده تا این ذرات به وجود آیند. با توجه به خصوصیات فیزیکی و طبق قوانین و بار الکتریکی که دارند به صورت لایه‌هایی در کف تالابها و رودخانه‌ها آرام گرفته‌اند و با خشک شدن ناگهانی این تالابها و رودخانه‌ها ذراتی دارای قطری کمتر از یکصد هزارم میلیمتر ساخته می‌شوند. برخلاف تصور مردم، بارش باران برای زدایش این ریزگردها فایده‌ای ندارد و بخاطر ویژگی نیروی طبیعی بین ذره‌های دافعه این ذرات و نانو بودنشان است که باران هم نمی‌تواند این ذرات را فرود آورد و آنچه پس از باران می‌بینیم تنها یک خاک عادی بیش نیست. ریزگردهای کلئوئید از راه تنفس وارد دستگاه تنفسی و گوارشی ما می‌شوند. سپس از آنجا هم جذب خون گشته و موجب سفت شدن آن می‌گردند. این سفت شدن خون هم سگته‌های قلبی و مغزی و تنگی نفس را بدنبال دارد. ذرات کلئوئیدی خاک یعنی رس و هوموس دارای قدرت جذب کاتیون‌های مختبف و تبادل آنها با یکدیگر، بویژه با یون هیدروژن را دارند. راه مبارزه با آن هم استفاده از علم تصفیه آب است. ذره بسیار ریز و سبک دیگر سیلت نام دارد. ریزگردها گذشته از مختل کردن خطرناک زندگی انسانی، موجب نابودی جنگل‌ها، مراتع و زراعت نیز می‌شوند.

بنا به دلایل فوق‌الذکر که مخاطرات زیادی برای جامعه انسانی و اکوسیستم ایجاد می‌کنند، رهبر آپو در مانیفست تمدن دموکراتیک نسبت به عملکرد جوامع در تخریب اکولوژی هشدار می‌دهد و بصورت شفاف بیان می‌دارد که در صورت کسب خودمدیریتی جوامع و رهایی‌شان از دولت‌ها، نباید در تخریب تدریجی سدهای مضر درنگ نمایند. پارادایم نوین رهبر اوجالان اکولوژی را یکی از بنیان‌های اصلی قراردادده که به کوتاه‌سخن بصورت ذیل است:

«پارادایم: جامعه دموکراتیک و اکولوژیک مبتنی بر آزادی زن».





— نمایی از کوهستان شمالی استان کرمانشاه

بخش ۵

آمار سدها در ایران و شرق کوردستان

بنا به آمار سازمان ملل متحد، در جهان ۸۰۰ هزار سد احداث شده که ۴۰ هزار آن سدهای بزرگ با ارتفاع ۱۰۰ متر به بالا هستند. با فشار اکولوژیست‌ها و جامعه مدنی، برخی کشورها، سدها سد ناچاراً تخریب می‌شوند، اما ایران چنین اقدامی نمی‌کند. تعداد سدها در ایران طبق آمار شرکت مدیریت منابع آب ایران بصورت ذیل است:

* جدول شماره ۱ — تعداد کل سدهای ایران در سال ۲۰۲۰:

تعداد کل	نهاد اجرائی
۹۰۴	وزارت آب
۳۵۴	جهاد سازندگی
۴۰	توسعه منابع آب و نیرو
۱۳۳۰	مجموع

از مجموع ۱۳۳۰ سد بیش از ۶۶۰ سد به بهره‌برداری رسیده و مابقی یا در دست مطالعه است و یا در حال احداث. قریب ۵۰۰ سد در دست مطالعه می‌باشد. ۳۰۰ شرکت سدسازی وابسته به سپاه پاسداران در این زمینه فعالند و انحصارات را بدست می‌گیرند. ترازنامه ۶۶۰ سد موجود روشن نیست و پرونده دیگر سدهای در دست مطالعه و ساخت روشن نمی‌باشد. اهداف سدسازی ایران در کل به لحاظ علمی توجیه ندارد و مجهول است.


* جدول شماره ۲ — آمار سدهای استان‌های اورمیه، کوردستان، کرمانشان،

ایلام، لرستان، خوزستان، مرکزی، کهگیلویه و بویراحمد و چهار محال و بختیاری:
* اسامی برخی سد‌های شرق کوردستان و لرستان:

مجموع	بهره‌برداری	اجرایی	مطالعاتی	دستگاه اجرایی
۶۲	۲۲	۹	۳۱	آب منطقه‌ای اورمیه
۱۵	۲	۷	۸	آب منطقه‌ای ایلام
۳۱	۶	۶	۱۹	آب منطقه‌ای کوردستان
۳۶	۶	۹	۲۱	آب منطقه‌ای کرمانشاه
۴۰	۳	۹	۲۸	آب منطقه‌ای لرستان
۲۵	۲	۳	۱۹	آب منطقه‌ای کهگیلویه و بویراحمد
۲۱	۵	۴	۱۲	آب منطقه‌ای چهارمحال و بختیاری
۳۰	۱۶	۱	۱۳	آب منطقه‌ای مرکزی
۴۸	۷	۵	۲۰	آب و برق خوزستان
۱۳				آب منطقه‌ای خراسان
۳۲۱	۶۹	۵۱	۱۷۱	مجموع



- سد آپس‌رده (بروجرد - لرستان)
- سد آزاد (کوردستان)
- سد آغ‌چای (چاپاره - اورمیه)
- سد آلیج (چونتان - چهارمحال و بختیاری)
- سد ارس (مرز ایران - آذربایجان)
- سدبانه (بانه)
- سد بختیاری (خرم‌آباد)
- سد پارسل ۱۱ (خوزستان)
- سد پاعلم (لرستان)
- سد پیران (کرمانشاه)
- سد تلوار (دهگلان)
- سد سنگ‌سیاه (دهگلان)
- سد چمشیر (کهگیلویه و بویراحمد)
- سد چم‌گردلان (ایلام)
- سد حسنلو (نقده - اورمیه)
- سد حوضیان (الیگودرز - لرستان)

- 
- خداآفرین (بر روی ارس)
 - سد خان آباد (الیگودرز)
 - سدخرسان ۳ (چهارمحال و بختیاری)
 - سد خنجین (مرکزی)
 - سد دریک (سلماس)
 - سد داریان (روستای داریان پناه)
 - سد رودبار الیگودرز (لرستان)
 - سد زالکی (الیگودرز)
 - سد زاگرس (گیلانغرب)
 - سد زیویه (کامیاران کوردستان)
 - سد پناه کوردستان در جاده سنندج کامیاران
 - سد ساروق (تکاب - اورمیه)
 - سد سیمره (ایلام)
 - سد سبزکوه (چهارمحال و بختیاری)
 - سد سورال (سنندج)
 - سد سیاه‌زاغ (کوردستان - دیواندره)
 - سد سیاه‌بیشه
 - سد شهرچای (اورمیه)
 - سد بوکان (اورمیه)
 - سد قشلاق (سنندج)
 - سد کارون ۳ (خوزستان)
 - سد کارون ۴ (چهارمحال و بختیاری)
 - کارون ۱
 - کارون ۲
 - کارون ۵
 - سد کوثر (بهبهان خوزستان)
 - سد کوه‌رنگ (چهارمحال و بختیاری)
 - سد کمال‌صالح (شازند - مرکزی)
 - سد گاوشان (کوردستان)
 - سد گتوند (خوزستان)
 - سد گلرود (بروجرد)
 - سد گلبلاغ (بیجار - کوردستان)
 - سد گاران (مریوان - کوردستان)
 - سد سیرو (چهارمحال)
 - سد مروک (دورود - لرستان)
 - سد مسجد سلیمان
 - سد مهاباد
 - سد هاله (لرستان)
 - سد اشنویه

*** سد‌های اورمیه (بهره‌برداری):**

- ۱- سد آغ‌چای
- ۲- سد اشنویه
- ۳- سد بارون
- ۴- سد دریک
- ۵- سد شهرچای
- ۶- سد کاظمی
- ۷- سد قرمیش
- ۸- سد مهاباد
- ۹- سد نوروزلو
- ۱۰- کاظمی ۲ (افزایش ارتفاع)
- ۱۱- حسنلو
- ۱۲- دانالو
- ۱۳- گرجی
- ۱۴- زولا
- ۱۵- ساروق
- ۱۶- قورچی
- ۱۷- قوشخانه
- ۱۸- کانسپی
- ۱۹- هاچه‌سو



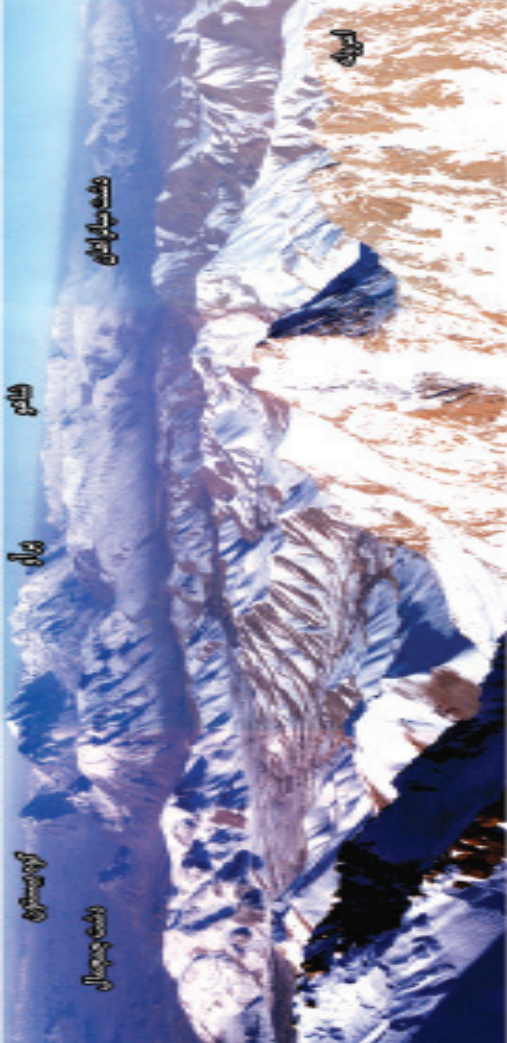
*** سد‌های اورمیه در دست ساخت:**

- ۲۰- باراندوز
- ۲۱- سیمینه‌رود
- ۲۲- سنجاقل
- ۲۳- خراسانه
- ۲۴- نازلو
- ۲۵- بابااحمد
- ۲۶- چپرآباد
- ۲۷- ورگیل
- ۲۸- احمدآباد
- ۲۹- جلدیان

*** سد‌های اورمیه در دست مطالعه:**

- ۳۰- زره‌شوران
- ۳۱- عربشاه
- ۳۲- قینرجه
- ۳۳- خلیفان
- ۳۴- شوط



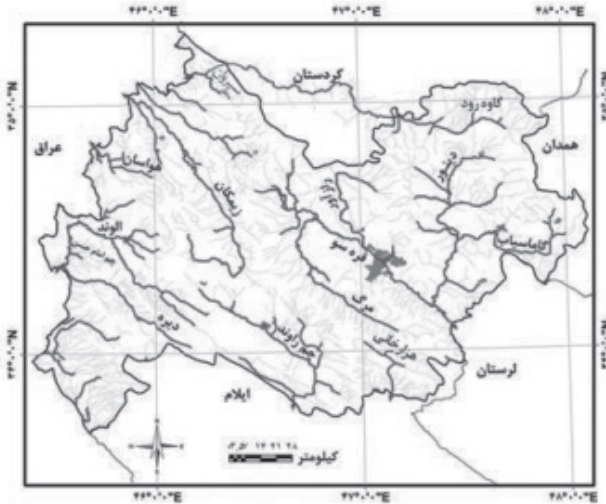


- ۳۵- زيدکندي
- ۳۶- مامالو
- ۳۷- بردوک
- ۳۸- فلکان
- ۳۹- رشکان
- ۴۰- گل تپه (مهآباد)
- ۴۱- دير علي
- ۴۲- عباس کندي
- ۴۳- يخلقان
- ۴۴- شير مرد
- ۴۵- فيز قاپان
- ۴۶- حاجي بابا
- ۴۷- طوره
- ۴۸- بالقجي
- ۴۹- آجرلو
- ۵۰- سردار آباد
- ۵۱- باروق
- ۵۲- خانم گلي
- ۵۳- خانقاه سرخ
- ۵۴- يزدکان
- ۵۵- تاج خاتون
- ۵۶- آرکوين
- ۵۷- کلوانس

※ جدول شماره ۳ - ۶ سد ازمينه قديم استان اورميه:

ردیف	نام اثر	موقعیت	قدمت	وضعیت فعلی
۱	سد پناه کندي	۸ كيلومتر جنوب پلدشت	دوره قاجار	در دست بهره برداری
۲	سد تازه شهر	۱۰ كيلومتری غرب سلماس	دوره صفوی	آثار آن باقي مانده
۳	سد خانه دام	۳۵ كيلومتری شرق سلماس	قرن ۸ هجری	آثار آن باقي مانده
۴	سد جمال آباد	۵۰ كيلومتری شمال اورمیه	دوره سلجوقی	آثار آن باقي مانده
۵	سد قورمیش	۱۵ كيلومتر شمال بوکان	اواخر صفویه	آثار آن باقي مانده
۶	سد قجور	۵ كيلومتری شرق تکاب	۱۳۲۸ یا قديمی تر	در دست بهره برداری

*** فهرست سدهای در دست مطالعه در استان کرمانشاه:**



— نقشه پراکنده‌گی رودخانه‌های دائمی و فصلی استان کرمانشاه

- ۱- سد گرماب هرسین
- ۲- سد تنگ اسماعیل‌بگ
- ۳- سد کرمانجان
- ۴- سد کیلانبر
- ۵- سد امروله
- ۶- سد گروس
- ۷- سد هرسین
- ۸- سد پرامان
- ۹- سد سیاخور (مرصاد)
- ۱۰- سد کاشنبه
- ۱۱- سد حلوان
- ۱۲- سد دینور
- ۱۳- سد جوانرود (ساروخان)
- ۱۴- سد راوند
- ۱۵- سد گرشا گذارپیر
- ۱۶- سد سراب نیسان (ویژنان)
- ۱۷- سد باسکله در انبار

جدول شماره ۴ - رودخانه‌های مهم استان کرمانشاه

نام رودخانه	سرچشمه یا شاخه‌های آن	ادامه مسیر
رود قره سو	سراب روانسر (روانسر)	قره سو + راز آور + مرگ ← گاماسیاب
رود گاماسیاب	سراب سنگ سوراخ (نهاوند) ، آب ملایر ، رودسرای تویسرکان ، دینور ، شاخه هرسین	سیمره ← کرخه ← خلیج فارس
دینورآب	آب زحمانی ، سنقرجای ، آب پرتاج ، نوزی وران	← گاماسیاب
مرگ	سراب فیروزآباد (جنوب غرب ماه‌دشت) کوه سفید در کرمانشاه	← قره سو
رازآور	کوه‌های کندوله و کامیاران	← قره سو
جامیشان	کوه‌های سنقر	← رودخانه دینور
سیروان	گاوه رود ، رزاب و میروان در کردستان	زاوه‌رود + قشلاق رود + لیله + لونه + زیمکان + دشت حر + پلوه رود ← عراق
الوند (حلوان)	چشمه‌های سیاوانه و چشمه اسکندر در دالاهو	← ریجاب + یاطاق + گیلان غرب ← الوند ← عراق
راوند	کرند، سراب شرف‌آباد	← سیمره
گاوه رود	غرب همدان	← سیروان
سیمره	هلیلان (جزمان رود) ، راوند ، کرند	← کرخه

- ۱۸- سد جهانشاه
- ۱۹- سد کندوله
- ۲۰- سد بیستون
- * سدهای کرمانشاه (بهره‌برداری):**
- ۲۱- سد انحرافی الوند
- ۲۲- نیروگاه پیران
- ۲۳- سلیمان‌شاه
- ۲۴- سد گاوشان
- ۲۵- سد شبان
- ۲۶- گیلان غرب
- * سدهای کرمانشاه (اجرای):**
- ۲۷- هواسان
- ۲۸- جامیشان
- ۲۹- کبوترلانه
- ۳۰- کیلان‌بر
- ۳۱- قشلاق

*** سدهای ایلام:**

- ۱- ایلام
- ۲- سیمیره (هینی مینی)
- ۳- دویرج
- ۴- کنگیر
- ۵- مورموری
- ۶- جزمان
- ۷- سازین
- ۸- چناره
- ۹- سیکان

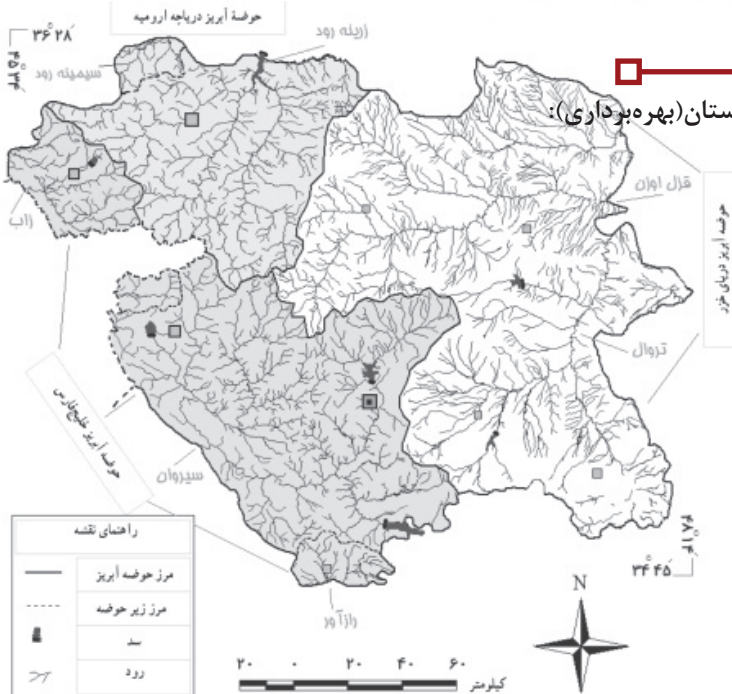
— حوضه آبریز رودهای مرزی شامل:

رودهای گنگیر، گدارخوش، کنجانچم، جنگوله، گاوی، میمه و دویرج می‌باشند.

اکثر رودهای این حوضه آبریز از دامنه جنوبی کبیرکوه سرچشمه می‌گیرند و به سمت کشور عراق جاری می‌شوند.

*** سدهای استان کوردستان (بهره‌برداری):**

- ۱- سد تالوار
- ۲- سد آزاد
- ۳- سد قشلاق
- ۴- سد گاران
- ۵- سد گاوشان
- ۶- سد گل‌بلاغ
- ۷- سد وحدت
- ۸- سد سیاه‌زاغ
- ۹- زیویه
- ۱۰- چراغ‌ویس
- ۱۱- ژاوه
- ۱۲- سورال
- ۱۳- سنگ‌سیاه
- ۱۴- اوریه
- ۱۵- ماویان



۱۶- زرده کمر ۱۷- کردکند(چپلانتو) ۱۸- زرین‌چوب ۱۹- سیر ۲۰- مرخز ۲۱- باباجان ۲۲- شیخ‌بشارت
 ۲۳- سالار(آله‌دره) ۲۴- سنته
جدول ۵ - وضعیت آبهای استان کوردستان

حوضه آبریز (کیلومتر مربع)	تبخیر و نفوذ	مصارف		روان آب	میزان بارش	واحد	حوضه آبریز
		شرب	کشاورزی				
۷۴۲۵	۱۷۸	۳	۵۰	۳۶۹	۶۰۰	میلی متر	سیروان
	۱۳۱۸	۲۳	۳۷۳/۴	۲۷۴۰	۴۴۵۵	میلیون متر مکعب	
۱۵۴۵	۱۶۴	-	۴۷	۵۱۱	۷۲۲	میلی متر	زاب
	۲۵۳/۵	-	۷۲	۷۹۰	۱۱۱۵/۵	میلیون متر مکعب	
۵۳۲۰	۱۶۲	۳۳/۹	۸۶	۳۰۴/۱	۵۸۶	میلی متر	زربنه رود
	۸۶۲	۱۸-/۴	۴۵۵	۱۶۲-/۱	۳۱۱۷/۵	میلیون متر مکعب	
۱۳۴۴۵	۲۹۷	۱	۶	۷۱	۳۷۵	میلی متر	قزل‌اوزن
	۴۰۰۶/۵	۱۳/۵	۷۵/۴	۹۴۶/۵	۵۰۴۱/۹	میلیون متر مکعب	
۵۰۰	۲۲۸	-	۹۶	۲۰۶	۵۵۰	میلی متر	رازآور
	۱۲۳/۸	-	۴۸/۲	۱۰۳	۲۷۵	میلیون متر مکعب	
۲۸۲۳۵	۲۳۳	۷/۷	۳۶	۲۱۹/۳	۴۹۶	میلی متر	مجموع استان
	۶۵۶۴/۵	۲۱۶/۹	۱۰۲۴	۶۱۹۹/۵	۱۴۰۰۴/۹	میلیون متر مکعب	



*** سدهای خوزستان (بهره‌برداری):**

- ۱- بند میزان
- ۲- سد پاسل ۱۱ بنگستان
- ۳- سد تنظیمی کرخه
- ۴- سد دز
- ۵- سد جره
- ۶- سد عباسپور
- ۷- سد کارون ۳
- ۸- سد کارون ۴
- ۹- سد کرخه
- ۱۰- سد گتوند
- ۱۱- سد مسجد سلیمان
- ۱۲- تشان
- ۱۳- کرخه(پای‌دل)
- ۱۴- دهنوندیجان
- ۱۵- شپتون
- ۱۶- سرتیرک هفتگل
- ۱۷- شوه‌حمید

- نقشه حوضه‌های آبریز رودهای خوزستان



- ۱۸- ظهريه
- ۱۹- کارون ۱
- ۲۰- کلندر
- ۲۱- مارون
- ۲۲- ولی عصر
- * سدهای در دست ساخت:
- ۲۳- آریوبرزن
- ۲۴- بالارود
- ۲۵- رامهرمز(جره)
- ۲۶- گتوند علی
- * سدهای در دست مطالعه:
- ۲۷- زال
- ۲۸- رود تلخ
- ۲۹- زیررود
- ۳۰- آبگللال
- ۳۱- زهره ۲
- ۳۲- شور خوزستان ۲
- ۳۳- گزی
- ۳۴- چیتی
- ۳۵- شور خوزستان ۱
- ۳۶- ابوالفارس
- ۳۷- زهره ۱
- ۳۸- کارون ۲
- ۳۹- شیرین آب(تالوگ)
- ۴۰- تراز
- ۴۱- ابوالعباس
- ۴۲- خیرآباد
- ۴۳- سردشت
- ۴۴- سیدون

۴۸ سد در خوزستان موجود است، ۲۳ سد در حال بهره‌برداری و ۲۵ سد در مرحله اجرا یا مطالعه قرار دارند.

※ سد‌های لرستان (بهره‌برداری):

- ۱- سد آسرده
- ۲- ایوشان
- ۳- بختیاری
- ۴- حوضیان
- ۵- خاکی سرفراش
- ۶- دره‌باغ
- ۷- رودبار الیگودرز
- ۸- گلرود
- ۹- مروک
- ۱۰- هاله
- ۱۱- کلان
- ۱۲- معشوره
- ۱۳- خان‌آباد
- ۱۴- کزانار
- ۱۵- کمندان

※ سد‌های در دست مطالعه:

- ۱۶- میان‌کوه
- ۱۷- زالکی
- ۱۸- شبیخون
- ۱۹- ماربره
- ۲۰- مسعودآباد

- ۲۱- گله‌ویس (هفت‌چشمه)
- ۲۲- دره‌صیدی
- ۲۳- تنگ‌معشوره
- ۲۴- عالی‌محمود
- ۲۵- ده‌جانی
- ۲۶- صارمی
- ۲۷- رازان
- ۲۸- نورآباد (تنگ‌پری)
- ۲۹- کهمان‌الشر (فیروزآباد)
- ۳۰- مخملکوه (طرح کاکارضا)
- ۳۱- زیبامحمد
- ۳۲- اشترینان (طرح گله‌رود)
- ۳۳- تاج‌امیر
- ۳۴- تنگ‌پریان
- ۳۵- گله‌رورد (کپرگه)



*** سدهای کهگیلویه و بویراحمد (مناطق لرستانات):**

- | | |
|---------------------|---------------------|
| ۱- سد شاه قاسم | ۱۴- شبلیز (شبلیسه) |
| ۲- سد کوثر | ۱۵- سرپری |
| ۳- مارون | ۱۶- سرگچینه |
| ۴- کوثر (تنگ دوک) | ۱۷- سیوکی |
| ۵- شاه قاسم | ۱۸- سادات |
| ۶- چم شیر | ۱۹- لوداب |
| ۷- شراب گرو | ۲۰- سقاوه |
| ۸- چم باستان | ۲۱- اسلام آباد دهنو |
| ۹- حاج قلندر | ۲۲- سرتوف |
| ۱۰- کلات دشت | ۲۳- قلات |
| ۱۱- مهریان (آب نهر) | ۲۴- گذار تختی |
| ۱۲- شیو (گل بابکان) | ۲۵- تنگ سرخ |
| ۱۳- آبدهگاه باشت | |

*** برخی سدهای استان مرکزی (مناطق لرستانات):**

- ۱- الغدیر
- ۲- پانزده خرداد
- ۳- کمال صالح

*** خراسان شمالی:**

- ۱- اسفراین
- ۲- جربت
- ۳- چرمی
- ۴- سارمران
- ۵- شورک شیروان
- ۶- شیرین دره
- ۷- کفت
- ۸- بارزو
- ۹- کلاته سنجر
- ۱۰- جری
- ۱۱- دشت (قیزقلعه)
- ۱۲- گراتی
- ۱۳- گلمندره

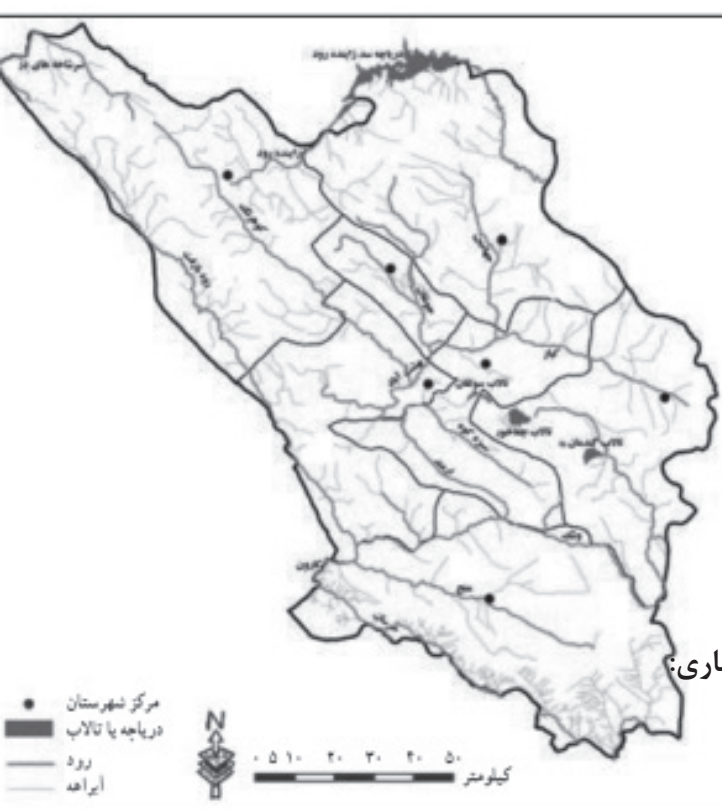


* چهار محال و بختیاری:

استان چهارمحال و بختیاری در حاشیه غربی صفحه قاره‌ای ایران و در مجاورت گسل زاگرس واقع است. این استان از دو واحد ساختاری زاگرس (بخش عمده‌ای از استان) و سنندج سیرجان (بخش کوچکی از شمال شرقی استان) تشکیل شده است. سدهای کارون ۴، سد بیدکان، نعل اشکنان و تالاب‌های چغاخور، سولقان، خرسان ۱ و ۲ و سد سوم گوهرنگ سدهای استان هستند.

* سدهای چهارمحال و بختیاری:

- ۱- گوهرنگ ۱
- ۲- گوهرنگ ۲
- ۳- گوهرنگ ۳
- ۴- چغاخور
- ۵- فردانبه
- ۶- ناغان
- ۷- چغاخور (افزایش ارتفاع)
- ۸- بیدکان
- ۹- چشمه گهرو
- ۱۰- سورک (دهنو)
- ۱۱- باباحیدر
- ۱۲- خرسان ۱
- ۱۳- خرسان ۲
- ۱۴- خرسان ۳
- ۱۵- هفشجان (چشمه‌زنه)
- ۱۶- کارون ۴
- ۱۷- کارون ۵



نقشه رودهای استان چهارمحال و بختیاری

- ۱۸- سبزکوه
- ۱۹- آج
- ۲۰- کهیان
- ۲۱- بیدکل
- ۲۲- دره سیر گرگ
- ۲۳- ونک
- ۲۴- زاینده‌رود (تنگزی)
- ۲۵- مصیر آباد
- ۲۶- کوجان (گوجان)
- ۲۷- بازفت
- ۲۸- دره باد سورشجان
- ۲۹- سولکان
- ۳۰- دره سیر هارونی
- ۳۱- آقبلاغ (گندمان)

